



قلمرو زبانی

۱۱۴- معنای چند واژه در مقابل آن درست آمده است؟

(تالاب: برکه)، (شرف: بزرگواری)، (عامل: حاکم)، (حضيض: ذلیل)، (تناور: فره)، (ضامن: کفیل)، (عزم: بزرگی)

(۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) هفت

۱۱۵- معنای چند واژه در مقابل آن نادرست آمده است؟

(فلق: هنگام غروب)، (نجابت: بزرگواری)، (غبطه: زیان کردن) (عمارت: فرمانروایی)، (عامل: والی) (غرامت: تاوان)، (سخره: ریشخند)، (تالاب: منجلاب)

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۱۱۶- معنی واژه‌های «فلق، سخره، حضيض، عامل» در کدام گزینه آمده است؟

(۱) سرخی افق، بیگاری، زبون گردیده، حاکم
(۲) فجر، ریشخند، جای پست، والی
(۳) سپیده صبح، مسخره کردن، خوار و ذلیل، حکمران
(۴) غروب آفتاب، کاربی‌مزد، پایین کوه، کارگر

(فارغ انسانی ۱۳۰۰)

۱۱۷- در کدام عبارت غلط املايي وجود دارد؟

(۱) اتفاق کردند که او را استحقاق و اهلیت این منزلت هست.
(۲) خواست که به نصرت و معاونت و استخلاص مملکت او قیام نماید.
(۳) به خوش دلی و قبطت عزم مراجعت در خدمت او به امضا رسانیدند.
(۴) اگر ما دبیری را فرماییم که چیزی نویس، اگرچه استیصال او در آن باشد زهره دارد که ننویسد؟

۱۱۸- کدام گزینه فاقد غلط املايي است؟

(۱) به طالعی که عمارت همی فزود شرف
(۲) این ممکن است زان که تو در بحر طبع خویش
(۳) شعله ابرم ولسی از خار وادی خواسته
(۴) همچو دعای صالحان دی سوی اوج می شدی
باز چو نور اختران سوی حذیذ می پری

۱۱۹- در کدام گزینه غلط املايي به چشم می خورد؟

(۱) بحر اگر شود جهان کشتی نوح اندر آ
(۲) در معرکه چون گوش سواران مبارز
(۳) همین سعادت و توفیق بر مزیدت باد
(۴) و چون تو جسم نیست چه باید همیشه تخت؟
کشتی نوح کی بود سُخره غرقه و تلف
گاهی ز اجل هان شنو و گه ز ظفر هین
که حق‌گذاری و بی‌حق کسی نیازاری
معنی تخت و عرش یکی باشد و سریر

۱۲۰- در متن زیر چند غلط املايي یافت می‌شود؟

«ولکن منافع این دو خصلت همه مردم را شامل گردد و دور و نزدیک جهان را از آن نصیب باشد. چه امارت نواحی و احیای اموات به عدل متعلق است و آمن راه‌ها و ضبط مسالک و حفظ ممالک به سیاست وابسته، و هیچ چیز بقای عالم را از این دو باب قوی تر نیست.»

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۱۲۱- در متن زیر چند غلط املايي وجود دارد؟

«طواف حرم و غسل زمزم نمودم و از محرمت خورده و کرده استغفار کردم و از صفائر و کبائر اعتذار جستیم. از آن جا خاک طیب و طیبه را زیارت کردم و خرابی‌های خانه عمر را امارت خاک روزه مقدسه را سرمه دیده ساختم.»

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۱۲۲- در همه گزینیه‌ها غلط املائی وجود دارد به جز ...

- (۱) صنما، به چشم شوخت که به چشم اشارتی کن
 (۲) همیشه دست توقع گرفته دامن فضلش
 (۳) حزمتم به هر چه رای کند بر قضا مسلط
 (۴) گر عاشقی از جان و دل جور و جفای یار کش
- نفسی خراب خود را به نظر امارتی کن
 چو وامدار که دریابد آستین زمین را
 عزمتم به هر چه روی نهسد بر قدر مقدم
 ور زان که تو عاشق نه ای رو صخره می کن خارکش

۱۲۳- در کدام گزینیه غلط املائی یافت نمی شود؟

- (۱) تا از مدارج برگذشتند و اوج آفتاب را در حزیض سایه او باز گذاشتند و چون پای مقصد بر سطح اعلی نهادند، شاه مرغان سلیمان وار نشسته بود و بزم و بارگاهی آراسته.
 (۲) ای خداوند، آن روز که فرمودی تا آن صدق را با دُر بشکنند و آن گل را با غنچه در خاک افکنند و آن پیوند میان مادر پدر به قطع رسانند، من از ندامت شاه و قرامت خویش اندیشه کردم.
 (۳) مقرر گردانیم که از ما کاری نیاید و جانها و نقش‌های ما فدای ملک است و هر یک از ما گوید: امروز چاشت ملک از من سازند و دیگران آن را عذری نهند و حقی گذارده شود و ما را زبانی ندارد.
 (۴) آدمیان را به فضیلت نطق و مزیت عقل از دیگر حیوانات متمیز گردانید و از برای هدایت و ارشاد رسولان فرستاد تا خلق را از ظلمت و ضلالت برهانیدند.

۱۲۴- در کدام گزینیه غلط املائی وجود دارد؟

- (۱) ز آب صافی او غبطه می خورد کوثر
 (۲) می رفت خیال تو ز چشم من و می گفت
 (۳) کوس ناموس تو بر کنگره عرش ز نیم
 (۴) ضامن نفس اگر این است بدین راضی شو
- به لطف روضه او رشک می برد رضوان
 هیهات از این گوشه که مأمور نمانده است
 علم عشق تو بر بام سماوات بریم
 غم درویشی و بی برگ و نوایی تا چند

۱۲۵- در قطعه شعر زیر، به ترتیب چند ترکیب وصفی و اضافی به کار رفته است؟

- «کدام وامدار تریدی؟ / دین به تو یا تو بدان؟ / هیچ دینی نیست که وام دار تو نیست / دری که به باغ بینش ما گشوده‌ای / هزار بار خیبری تر است / مرحبا به بازوان اندیشه و کردار تو»

- (۱) سه - چهار (۲) دو - پنج (۳) سه - شش (۴) دو - شش

۱۲۶- در قطعه شعر زیر، چند وابسته به کار رفته است؟

- «از تو در شگفت هم نمی توانم بود / که دیدن بزرگی ات را / چشم کوچک من بسنده نیست / مور، چه می داند که بر دیواره اهرام می گذرد / یا بر خشت خام.»

- (۱) پنج (۲) شش (۳) هفت (۴) هشت

۱۲۷- هسته گروه اسمی روبه روی همه گزینیه‌ها درست است، به جز

- (۱) تعیین ارزش دقیق معنایی عناصر زبان: (ارزش)
 (۲) مجموعه آثار ادبی گذشته این مرزوبوم: (مجموعه)
 (۳) رابطه هم‌نشینی هر واحد زبانی با واحد زبانی دیگر: (رابطه)
 (۴) کوچک‌ترین واحد زبانی با معنای مستقیم و غیر مستقیم (واحد)

۱۲۸- در منظومه «مردم شهر به یک چینه چنان می نگرند / که به یک شعله، به یک خواب لطیف / خاک، موسیقی احساس تو را می شنود / و صدای پر مرغان اساطیر می آید در باد» به ترتیب چند ترکیب وصفی و اضافی یافت می شود؟

- (۱) سه - پنج (۲) سه - شش (۳) چهار - پنج (۴) چهار - شش

۱۲۹- در متن «بهار، فصل خوش و معتدل بود. درخت‌ها شکوفه می کردند. ده از سکوت سنگین زمستانی خود بیرون می آمد. یک درخت به در باغچه ما بود و چیدن و خوردن شکوفه به، یکی از سرگرمی‌های من بود.» به ترتیب چند ترکیب وصفی و اضافی هست؟

- (۱) شش - هشت (۲) شش - هفت (۳) پنج - هفت (۴) پنج - هشت

۱۳۰- کدام گزینیه براساس الگوی «صفت + اسم + نقش‌نمای + اسم + نقش‌نمای + صفت» ساخته شده است؟

- (۱) کدام پهلوان مبارز ایران زمین
 (۲) پنج روز به جامانده عمر انسان بی خبر
 (۳) بعضی سروده‌های شاعران گذشته
 (۴) همان جنگجوی دلاور عرصه جنگ جهانی

(هنر ۹۵)

۱۳۱- نقش دستوری «موصوفها» در بیت زیر، به ترتیب کدام است؟

«دو چشمم مسست توکز خواب صبح برخیزند هـزار فتنه به هر گوشه‌ای برانگیزند»

(۱) نهاد، مسند، متمم (۲) مسند، مفعول، نهاد (۳) نهاد، مفعول، متمم (۴) مفعول، مسند، نهاد

۱۳۲- در متن «نویسنده با استفاده از داستان رستم و اسفندیار و گنجانیدن اصطلاحات امروزی در آن، نوشته را از حالت شناخته شده آن خارج کرده است.

این بیان غیرمعارف و خنده‌دار و هر نوشته‌ای از این گروه، یک نوع نقد اجتماعی محسوب می‌شود و تأثیر آن در همان زمان، به نحو بارزی نمودار خواهد

شد.» به ترتیب، چند صفت پیشین و پسین وجود دارد؟

(هنر ۱۸۵)

(۱) پنج - شش (۲) چهار - شش (۳) چهار - هفت (۴) پنج - هفت

۱۳۳- تعداد ترکیب‌های وصفی کدام ابیات یکسان است؟

الف) می‌خورد چون خون دل هر کس به قدر دستگاه

ب) خجلت ز عشق پاک گوهر می‌بریم ما

ج) منزل ما هم رکاب ماست هر جا می‌رویم

د) نهال خوش‌ثمر رهگذار طفلانیم

ه) طفل بازگوش آرام از معلّم می‌برد

(۱) د، ه، الف (۲) ب، ه، ج (۳) الف، ج، ب (۴) ج، الف، ه

۱۳۴- تعداد ترکیب‌های وصفی ابیات زیر به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

الف) چه شب است یا رب امشب که ستاره‌ای برآمد

ب) زان که که بر آن صورت خوبم نظر افتاد

ج) هیچ‌کس در کاروان زندگی بیدار نیست

د) عقل و جان در خدمت آن بارگه رفتند لیک

(۱) یک، چهار، دو، دو (۲) دو، سه، دو، دو (۳) دو، چهار، یک، سه (۴) یک، سه، یک، سه

۱۳۵- در متن زیر چند وابستهٔ پسین به کار رفته است؟

«بهار، صاحب کتاب سبک‌شناسی، سبک را به سه نوع تقسیم می‌کند. این تقسیم‌بندی، مورد تأیید ادبا قرار می‌گیرد، اما چون ملاک اصلی آن، کاربرد برخی

عناصر شعری است و در آن عناصر بنیادی شعر و احوال نفسانی شاعر و درون‌مایهٔ اثر، مورد توجه قرار نگرفته است، برای شناخت شعر کافی نیست.»

(۱) چهارده (۲) پانزده (۳) شانزده (۴) هفده

(هنر ۹۴)

۱۳۶- تعداد «ترکیب وصفی» در کدام بیت بیشتر است؟

(۱) چشم بد دور از آن سلسلهٔ زلف دراز

(۲) گرچه ز آیینۀ روشن نماید جوهر

(۳) آه گرمی که گره در دل پر خون من است

(۴) پردهٔ معنی روشن، نشود صائب، لفظ

(هنر ۸۸)

۱۳۷- در متن زیر به ترتیب، چند «ترکیب وصفی» و چند «ترکیب اضافی» وجود دارد؟

«ادبیات تطبیقی، یکی از شاخه‌های مهم علوم ادبی معاصر است که ما را از تأثیرپذیری ادبیات ملت‌های مختلف جهان آگاه می‌سازد. تکامل و شکوفایی

ادبیات هر ملت به دور از اندیشه‌های ادبی دیگر ملت‌ها ناممکن است.»

(۱) هفت - هفت (۲) هفت - نه (۳) هشت - هشت (۴) هشت - نه

۱۳۸- در متن «عادت کرده بود که همه‌چیز را گذران و همهٔ احوال عالم را در معرض تبدل تلقی می‌کرد. لذا از هیچ پیشامد جالبی، زیاده اظهار شادمانی

نمی‌کرد و از هیچ حادثهٔ سوئی هم به شکوه در نمی‌آمد. وقتی یک تن از یاران را غمناک دید، گفت که در دنیا همهٔ دل‌تنگی‌ها از دل‌نهادگی بر این عالم

(هنر ۱۹)

است.» چند «ترکیب وصفی» یافت می‌شود؟

(۱) هشت (۲) نه (۳) ده (۴) یازده

۱۳۹- در متن زیر به ترتیب چند «ترکیب وصفی و اضافی» وجود دارد؟

(تهری ۹۰)

«در مطالعه شعر نیما، دید تازه او به جهان جلوه‌گر است؛ نگاه او به همه موجودات و دیگر پدیده‌ها یادآور نگاهی است که شاعران غرب به این پدیده‌ها دارند. دید اجتماعی نیما که در سروده‌های نمادین و انتقادی او تجلی می‌یابد، در ادب نوین فارسی جایگاه ویژه دارد.»

(۱) یازده - هشت (۲) ده - نه (۳) یازده - نه (۴) ده - هشت

۱۴۰- در متن زیر چند «ترکیب وصفی» وجود دارد؟

(فارج از کشور ۹۰)

«این شاعر، برجسته‌ترین چهره ادبی قرن نوزدهم فرانسه است. برخی داستان‌های وی به زبان فارسی ترجمه شده است. تا سال‌های آخر عمر مورد احترام و ستایش عام بود.»

(۱) پنج (۲) هفت (۳) شش (۴) هشت

۱۴۱- در متن «از همان اوایل قرن دوم هجری، عده‌ای محدود از مردان هنرور و نگارگر به خلق آثار تمثیلی و حماسی و مضامین مربوط به شرح دلآوری و

فداکاری شهدای کربلا به شکل ابتدایی آن پرداختند و به دنبال این حرکت واژه‌های شبیه‌خوانی و تعزیه و غم‌نامه‌های مذهبی در ادب فارسی راه یافت.» چند «صفت» وجود دارد؟

(ریاضی ۹۱)

(۱) ۱۱ (۲) ۱۲ (۳) ۱۳ (۴) ۱۴

۱۴۲- در کدام گزینه وابسته‌های پسین بیشتری وجود دارد؟

(۱) آن‌که در طرز غزل نکته به حافظ آموخت
(۲) یارب از سوز دل ما تو نگاهش داری
(۳) ای شاهد قدسی که کشد بند نقابت؟
(۴) ای نسیم سحر آرامگه یارب کجاست؟

یار شیرین سخن نادره گفتار من است
گرچه بر خسرو دل سوخته کم بخشوده
ای مرغ بهشتی که دهد دانه و آبت؟
منزل آن مه عاشق‌کش عیار کجاست؟

۱۴۳- در کدام گزینه مفعول وجود دارد؟

(۱) باده‌نوشی که در او روی و ریایی نبود
(۲) برخاست صدای ناله از هر سنگی
(۳) گویا که ز روزگار دردی دارد

(۲) برخاست صدای ناله از هر سنگی
(۴) در آن باغ بارید باران مرگ

۱۴۴- در کدام گزینه تعداد ترکیب وصفی و اضافی درج شده به ترتیب در مقابل ابیات نادرست است؟

(۱) اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را
(۲) فغان کاین لولیان شوخ شیرین‌کار شهر آشوب
(۳) ای که در زنجیر زلفت جای چندین آشناست
(۴) زلفت هزار دل به یکی تار مو بیست

به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را (سه - دو)
چنان بردند صبر از دل که ترکان خوان یغما را (چهار - یک)
خوش فتاد آن خال مشکین بر رخ رنگین غریب (چهار - سه)
راه هزار چاره‌گر از چهار سو بیست (سه - سه)

۱۴۵- در عبارت شعری زیر چند ترکیب وصفی به کار رفته است؟

«شمشیری که بر گلوی تو آمد / هر چیز و همه چیز را در کاینات / به دو پاره کرد: / هر چه در سوی تو، حسینی شد / دیگر سو یزیدی / آه، ای مرگ تو معیار / مرگت چنان زندگی را به سخره گرفت / و آن را بی‌قدر کرد / که مردنی چنان / غبطه بزرگ زندگانی شد. / خونت / با خون بهایت حقیقت / در یک تراز ایستاد.»

(۱) هفت (۲) هشت (۳) نه (۴) ده

۱۴۶- با توجه به عبارت شعری زیر کدام گزینه نادرست است؟

«درختان را دوست می‌دارم / که به احترام تو قیام کرده‌اند / و آب را که مهر مادر توست / خون تو شرف را سرخگون کرده است / شفق، آینه‌دار نجابتت / و فلق، محرابی / که تو در آن نماز صبح شهادت گزارده‌ای.»

(۱) دو فعل به قرینه حذف شده است.
(۲) هشت مضاف‌الیه به کار رفته است.
(۳) واژه‌های «مهر، آینه‌دار، محراب» مسند هستند.
(۴) زمان‌های «مضارع اخباری و ماضی نقلی» در متن به کار رفته است.

قلمرو ادبی

(ریاضی ۹۱)

۱۴۷- در کدام بیت بیشترین آرایه «تضاد» وجود دارد؟

- (۱) شور فرهادم به پرسش سر به زیر افکنده بود
 (۲) قناعت می‌کنم با درد چون درمان نمی‌بینم
 (۳) شیرین ننماید به دهانش شکر وصل
 (۴) گردون مرا ز محنت هستی رها نخواست

۱۴۸- کدام گزینه آرایه‌های عبارت شعری زیر را نشان می‌دهد؟

«شب از چشم تو آرامش را به وام دارد / و طوفان، از خشم تو، خروش را / سحر از سپیده چشمان تو می‌شکفتد و شب در سیاهی آن به نماز می‌ایستد / در آخذ / که گل‌بوسه زخم‌ها / تنت را دشت شقایق کرده بود / مگر از کدام باده مهر مست بودی / که با تازیانۀ هشتاد زخم / بر خود حد زدی؟»

- (۱) استعاره، تشبیه، حس آمیزی، تلمیح، واج‌آرایی، کنایه
 (۲) جناس، استعاره، تضمین، کنایه، مراعات‌نظیر، تشبیه
 (۳) تشبیه، تلمیح، استعاره، تضاد، تشخیص، جناس
 (۴) تلمیح، جناس، ایهام، اغراق، تشخیص، استعاره

۱۴۹- آرایه‌های «ایهام، کنایه، تضاد، تشخیص» در کدام گزینه وجود دارد؟

- (۱) کدام وام‌دارترید؟ / دین به تو یا تو بدان؟ / هیچ دینی نیست که وام‌دار تو نیست
 (۲) دری که به باغ بینش ما گشوده‌ای / هزار بار خبیری‌تر است / مرحبا به بازوان اندیشه و کردار تو
 (۳) هیچ ستاره نیست که وام‌دار نگاه تو نیست / لبخند تو اجازه زندگی است / هیچ شکوفه نیست کز تبار گلخند تو نیست
 (۴) شعر سپید من، روسیاه ماند / که در فضای تو به بی‌وزنی افتاد / هرچند کلام از تو وزن می‌گیرد

۱۵۰- آرایه‌های مقابل کدام بیت تماماً درست نیست؟

- (۱) در خرابی‌هاست، چون چشم بتان تعمیر من
 (۲) ز جوی شیر کردم تلخ بر خود خواب شیرین را
 (۳) ز جام حافظ شیراز مست گردیده است
 (۴) مزرع امید من از سیرچشمی تازه‌روست
- مرحمت فرما ز ویرانی عمارت کن مرا (استعاره - متناقض‌نما)
 خجل چون کوهکن زین بازی طفلانۀ خویشم (نغمه حروف - تلمیح)
 کلام صائب از آن رو شراب شیراز است (مجاز - تضمین)
 شب‌نمی سیراب دارد باغ و بستان مرا (کنایه - تشبیه)

۱۵۱- قالب شعری کدام گزینه با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) چراغی به دستم، چراغی در برابرم / من به جنگ سیاهی می‌روم / گهواره‌های خستگی از کشاکش رفت‌وآمدها باز ایستاده‌اند.
 (۲) سحر از سپیده چشمان تو می‌شکوفد / و شب در سیاهی آن به نماز می‌ایستد. / هیچ ستاره نیست که وام‌دار نگاه تو نیست
 (۳) چون سبوی تشنه کاندرا خواب ببند آب / دوستان و دشمنان را می‌شناسم من / زندگی را دوست دارم / مرگ را دشمن
 (۴) دو چشم خسته بر هم رفت / سپیده می‌گشود آهسته جعد گیسوان تابدار صبح / سحر لبخند می‌زد سرد.

۱۵۲- در کدام گزینه آرایه «ایهام» به کار نرفته است؟

- (۱) رخنه به دیوار ما فکنده بداندیش
 (۲) پشّه‌ای کاندرا هوای مهر توست
 (۳) آن یار که عهد دوست‌داری بشکست
 (۴) ما را اگرچه کس به پیشیزی نمی‌خرد
- ما نگران بر رخسار چو صورت دیوار
 بر عقاب آسمان بازی کند
 می‌رفت و منش گرفته دامن در دست
 نقد روان فدای خریدار کرده‌ایم

۱۵۳- اگر بخواهیم ابیات زیر را براساس آرایه‌های «تشبیه، ایهام، حس آمیزی، تشخیص، تضمین» مرتب کنیم کدام گزینه درست است؟

- (الف) شاخ چو آدم ز باد زنده شد و عطسه داد
 (ب) نیست سامان دماغ هیچ‌کس جز سوختن
 (ج) تا ز در بسته نگریدی ملول
 (د) باد صبح از من خاکی اگرش گردی نیست
 (ه) الا ای هم‌نشین دل که یارانت برفت از یاد
- فاخته الحمد خواند گفت که جاوید مان
 ما همه سرگرم سودا‌بیم، سودا آتش است
 نصر من الله و فتح قریب
 هر نفس زو سخن سرد چرا می‌شنوم
 مرا روزی میاد آن دم که بی یاد تو بنشینم

- (۱) ه، ب، د، ج، الف (۲) ب، ه، د، الف، ج (۳) ه، ب، د، الف، ج (۴) ب، ه، الف، د، ج

۱۵۴- آرایه‌های «تشبیه، تلمیح، تضاد» در کدام گزینه به کار رفته است؟

- ۱) شمع مشرق نشود ز آتش غربی روشن
- ۲) خسرو ز گل‌رخان به دم سرد مبتلاست
- ۳) چون عقاب افتد به صید ماه و مهر
- ۴) اگر به سنگ قناعت بت طمع شکنی

۱۵۵- تعداد تشبیهات کدام بیت، بیشتر است؟

- ۱) ای بهشتی رخ طوبی قد خورشید لقا
- ۲) از طاق ابروانت وز تار گیسوانت
- ۳) تو مهر درخشنده و من ذره محتاج
- ۴) گاهی از جلوه شیرین‌روشی مجنونم

- گو بکوبند همی تا دم صور آهن سرد
- چون بلبل که زحمت باد خزان کشید
- گرم‌رو اندر طواف نه سپهر
- سپرده‌ای ره و رسم خلیل‌بن‌آزر

- بشنو این بیت خوش از خسرو جاوید لقا
- هم خسته‌کمانیم هم بسته‌کمندیم
- تو خانه فروزنده و من خانه به دوشم
- گاهی از خنده شیرین‌منشی فرهادم

(تپری ۹۸)



۱۵۶- کدام بیت با سایر ابیات قرابت مفهومی ندارد؟

- ۱) من در بیان وصف تو حیران بمانده‌ام
- ۲) به قیاس درنگنجی و به وصف درنیایی
- ۳) عقل و تدبیر و صفات توست چون استارگان
- ۴) سزای وصف روی تو سخن در طبع کس ناید

- حدی است حسن را و تو از حد گذشته‌ای
- متحیرم در اوصاف جمال و روی و زینت
- زان می خورشیدوش تو محو کن اوصاف را
- که در تو خیره می‌ماند چو من چشم تماشایی

۱۵۷- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) چون برآرد شوکت حسن تو دست از آستین
- ۲) بر شکوه وقار تو کوه با همه سنگ
- ۳) فلک ز فز تو اندوخته شکوه و جلال
- ۴) تخت و وقار و قدر او مملکت شکوه را

- شق چو ماه عالم‌آرا می‌کند آینه را
- رود به باد چو کاه از چه؟ از سبکساری
- خرد ز رای تو آموخته صلاح و صواب
- عرش حقیقی آمده ارض و سمای راستین

۱۵۸- کدام گزینه با عبارت زیر قرابت مفهومی ندارد؟

- ۱) «شهر را از عدل دیوار کن و راه‌ها از ظلم و خوف پاک کن که حاجت نیست به گل و خشت و سنگ و گچ»
- ۲) مرد را ظلم بیخ‌کن باشد
- ۳) شاه کو عدل و داد پیشه کند
- ۴) بستاند به ستم او دل هر کی خواهد

- ۱) اگر داد و بیداد دارو شوند
- ۲) عدل و دادش حصار تن باشد
- ۳) پادشاهی‌اش بیخ و ریشه کند
- ۴) عدل‌ها جمله غلامان چنین ظلم و ستم بود داد تریاک و بیداد سم

۱۵۹- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) گرگ با عدل تو همراز شبان آمده است
- ۲) الم و درد تو سرمایه روح و راحت
- ۳) ز بیم عدل تو نقاش را بلرزد دست
- ۴) هوای عدل تو در اعتدال هست چنان

- ۱) باز با داد تو انباز کبوتر شده است
- ۲) ستم عشق تو پیرایه عدل و داد است
- ۳) کشد چو نقش کبوتر به پنجه شاهین
- ۴) که کهربا نتواند درو ربودن کاه

۱۶۰- مفهوم ابیات به استثنای بیت گزینه یکسان است.

- ۱) به جز مرگ هر مشکلی را که هست
- ۲) نشاید شدن مرگ را چاره‌ساز
- ۳) جز مرگ نیست چاره آفات زندگی
- ۴) از مرگ چاره نیست به هر جا که می‌روی

- ۱) به چاره‌گری چاره آمد به دست
- ۲) در چاره بر کس نکردند باز
- ۳) چون زخم شیشه‌ای که گداز التیام اوست
- ۴) خواهی به کعبه رخت کش و خواه در کنشت

تو درخت عدل بنشان بیخ بدخواهان بکن
خوش باش که ظالم نبرد راه به منزل
مار ظلم این عقارب را به یک افسون عدل
شکسته دانه دل دور آسیای جهان

ولی جلال توام عقده بر زبان انداخت
در بیابان تحیر عقل سرگردان اوست
باشد بنفشه زار فلک سبزه دمن
که خاک پای او را تاج قیصر می توان گفتن
مهری به گاه مهر و سپهری به گاه کین
چو جان شایسته ای در تن چو هوش بایسته ای در سر
پرکاهی ندارد وزن در میزان درویشان
گرچه زر دارد نسازد زو توانگر آینه

ناطقه مدهوش و دل سرگشته، جان حیران اوست
دهانش را نظر چندان که جوید بیش یابد کم
انجم گردون شمردن کی طریق اعور است؟
که صبحدم علم شمع سرنگون باشد
مگر هم آینه گوید چنان که هست حکایت
تقریر وصف حالیم گفتار برنتابد
عاجز بماند در تو زبان فصاحتش

(۳) ز، ه، الف، ج (۴) ز، و، ه، ب

علم ز شاگردی ات بر همه شد اوستاد
که در مشاهده ات عقل می شود حیران
در بیابان تحیر عقل سرگردان اوست
هم عقل کل استاده اندر صف حیران ها

در چشم فضل نوری و در جسم ملک، جان
ز جام نسبت تو، روی جاه گلگون است
حشمت و جاه و شکوه و حرمت و تمکین مرا
نشود کودک ما محو تماشا چه کند؟

۱۶۶- همه ابیات به جز بیت گزینۀ بیانگر مفهومی مشترک هستند.

می شود باطل تیمم آب پیدا کرده را
دارد نهان ز چشم جهان عار زندگی
پیش دریا گرد راه از خویشتن سیلاب ریخت
تا ساغری از بادۀ توحید چشیدیم

۱۶۱- مفهوم همه ابیات یکسان است، به جز

(۱) جویبار ملک را آب روان شمشیر توست
(۲) دور فلکی یک سره بر منهج عدل است
(۳) حاکمی عادل همی باید که دندان بر کند
(۴) به آب عدل نشان گرد فتنه را کز ظلم

۱۶۲- مفهوم ابیات دوگانه کدام گزینه یکسان نیست؟

(۱) به شعر وصف جمال تو خواستم کردن
من به وصف کی رسم جایی که با کل کمال
(۲) جاه تو کشوری است که در باغ حشمتش
سپهر دین و دولت، شهسوار عرصه شوکت
(۳) بادی به وقت حمله و کوهی به گاه حلم
ایا با دوست و با دشمن چو فروردین و چو بهمن
(۴) ز کوه قاف اگر باشد شکوه سلطنت افزون
گرچه شاهان بنده داری، رو ز درویشان متاب

۱۶۳- مفهوم ابیات کدام گزینه یکسان است؟

(الف) خاطر ما وصف ذاتش چون تواند گفت چون
(ب) جمالش را زبان چندان که گوید وصف گوید خوش
(ج) عاجز از تعداد اوصاف کمال اوست عقل
(د) زبان عقل در اوصاف عشق کوتاه است
(ه) کمال حسن وجودت به وصف راست نیاید
(و) تحریر شرح شوکت طومار برنتابد
(ز) سعدی که داد وصف همه نیکوان بداد
(۱) ه، ب، و، الف (۲) الف، ب، ج، و

۱۶۴- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

(۱) ای که بود عقل کل طفل دبستان تو
(۲) ولی به عقل نشاید تو را صفت کردن
(۳) من به وصف کی رسم جایی که با کل کمال
(۴) در معرفت تنها حیران نه منم کاینجا

۱۶۵- کدام گزینه با عبارت شعری زیر قرابت مفهومی دارد؟

«چندان تناوری و بلند / که به هنگام تماشا / کلاه از سر کودک عقل می افتند»

(۱) علم از تو در حمایت و عقل از تو باشکوه
(۲) زهی شکوه که بر وی، شکوه مفتون است
(۳) از ثنای توست نزد مهتران روزگار
(۴) عقل را معرکه عشق کند طفل مزاج

۱۶۶- همه ابیات به جز بیت گزینۀ بیانگر مفهومی مشترک هستند.

(۱) زندگی بر من شد از تیغ شهادت ناگوار
(۲) گردن مکش ز تیغ شهادت که خضر را
(۳) ننگ هستی از سرم تیغ شهادت برگرفت
(۴) بر وحدت حق فاش و نهان داده شهادت

۱۶۷- کدام گزینه با بیت زیر تقابل مفهومی دارد؟

- «بید مجنون در تمام عمر، سر بالا نکرد»
 (۱) ابر بی باران ز دریا می کشد شرمندگی
 (۲) خجلت بی ثمری عیش مرا دارد تلخ
 (۳) سرو از بی ثمری خلعت آزادی یافت
 (۴) مشکل که سر برآورد از خاک روز حشر

۱۶۸- ابیات همهٔ گزینه‌ها با هم قرابت مفهومی دارند. به جز.....

- (۱) طریق صدق بیاموز از آب صافی دل
 (۲) صدق کیشان را فلک در خاک بنشانند چو تیر
 (۳) از صدق، سخن کند اثر در دل و جان
 (۴) راستی روشنگر دل می شود آخر، که صدق

۱۶۹- مفهوم نهایی کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) سیل از کوه گران سنگ به تعجیل رود
 (۲) تو را در خواب غفلت رفت عمر خوش عنان آخر
 (۳) خواب غفلت بس که چشم کاروان عمر بست
 (۴) حاصل چه غیر افسوس زین عمر ماکه بگذشت

۱۷۰- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) خجلت بی ثمری عیش مرا دارد تلخ
 (۲) ز برگ عیش خالی نیست سرو از بی بری هرگز
 (۳) مشکل که سر برآورد از خاک روز حشر
 (۴) بید مجنون در تمام عمر سر بالا نکرد

۱۷۱- مفهوم مقابل بیت زیر در همهٔ ابیات آمده است. به جز.....

- «بید مجنون در تمام عمر سر بالا نکرد»
 (۱) نباشد بر دلم چون سرو از بی حاصلی باری
 (۲) در بهشت عاقبت افتادم از بی حاصلی
 (۳) از دل بی حاصلم هر جا حدیثی بگذرد
 (۴) بید را بی ثمری پاس شکستن دارد

۱۷۲- مفهوم همهٔ ابیات به جز بیت گزینهٔ یکسان است.

- (۱) «صائب» چو سرو و بید ز بی حاصلی مدام
 (۲) می کشم چون بید مجنون خجلت از بی حاصلی
 (۳) کام تلخی را ثمر هرگز ز ما شیرین نشد
 (۴) چون بید هر که تلخی بی حاصلی کشید

۱۷۳- ابیات کدام گزینه تقابل مفهومی دارند؟

- (الف) خم نگردد بی ثمر شاخی و از بی حاصلی
 (ب) سنگ می بارد به نخل میوه دار از شش جهت
 (ج) راستی چون سرو «صائب» بی ثمر دارد مرا
 (د) خضر وقت خود شدم چون سرو از بی حاصلی
 (ه) ز بس از مردم بی حاصل عالم کجی دیدم

ج، ب، (۴)

د، الف، (۳)

ه، ج، (۲)

الف، ج، (۱)



قلمرو زبانی

۱۷۴- در کدام گزینه معنای واژه‌های نادرست است؟

- (۱) طالع: بخت، (ماسوا: غیر از مخلوقات)
 (۲) (مرکب: اسب)، (آیت: نشانه)
 (۳) (رحمت: مهربانی)، (هما: فرخنده)
 (۴) (خذلان: پستی)، (علم کردن: مشهور کردن)

۱۷۵- معنی چند واژه در مقابل آن نادرست نوشته شده است؟

- (رمة: گله)، (دولت: دارایی)، (محنت: اندوه)، (بقا: جاودان)، (دهر: روزگار)، (خذلان: خوار)، (بوم: جغد)، (سیف: شمشیر)
 (۱) یک
 (۲) دو
 (۳) سه
 (۴) چهار

۱۷۶- معنای واژه «داد» در همه گزینه‌ها به‌جز گزینه یکسان است.

- (۱) به داد کوش و به شب خُسب ایمن از همه بد
 (۲) ما بازگه دادیم این رفت ستم بر ما
 (۳) این جهان را سفله دان، بسیار او اندک شمر
 (۴) اگر ایمن کنی مردمان را به داد
 که مرد بیداد از بیم بد بود بیدار
 بر قصر ستمکاران گویی چه رسد خذلان؟
 گرچه بسیار است، داد سفله آن بسیار نیست
 خود ایمن نخسبی و از داد شاد

۱۷۷- در همه گزینه‌ها به‌جز گزینه واژه «اختر» معنایی یکسان دارد.

- (۱) بیامد که آرد به نزد سپاه
 (۲) همی تیره شد روی اختر درشت
 (۳) چو شاه اختران افراشت خرگاه
 (۴) وزان جایگاه خواسته برگرفت
 چو ترکان بدیدند اختر به راه
 دلیران به دشمن نمودند پشت
 نه از اختر نشان ماند نه از ماه
 همی ماند از کار اختر شگفت

۱۷۸- معنای واژه «بوم» در کدام گزینه با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) گر ز خورشید بوم بی نیرو است
 (۲) کس نیاید به زیر سایه بوم
 (۳) ماری تو که هر که را ببینی بزنی
 (۴) شوره بوم از نیش کژدم خارخار
 از پی ضعف خود نه از پی اوست
 و همای از جهان شود معدوم
 یا بوم که هر کجا نشینی بکنی
 مور او اژدرگر و عقربشکار

۱۷۹- معادل معنایی واژه‌های «جغد، انصاف و بخت» به ترتیب در ابیات گزینه یافت می‌شود.

- (الف) هر چه خواهند بده مندیش از آن
 (ب) چنین که اختر خسرو به زیر خاک فروشد
 (ج) صد طعنه می‌زنی به هما شهپران عشق
 (د) خاتم چه شد و تخت سلیمان به کجا رفت
 (ه) سعدی به هر چه آید گردن بنه که شاید
 (و) بر آن طالع او را کسی کرد شاه
 داد یزدان را تو بیش از بیش دان
 مگر ز دولت شاه جهان پناه برآید
 بوم تو در هوای بلند آشیانی است
 کو اختر اسکندر و کو افسر دارا
 پیش که داد خواهی از دست پادشاهی؟
 که این بوم گردد به ما بر تباہ

- (۱) و، الف، ب
 (۲) ج، ه، ب
 (۳) ج، الف، د
 (۴) و، ه، ب

۱۸۰- در متن زیر چند غلط املائی به کار رفته است؟

«لاک پشت گفت: این همه سودا است. چون تبع اجل صفرا تیز کرد و دیوانه‌وار روی به کسی آورد، از زنجیر گسستن، فایده حاصل نیاید و هیچ عاقل، دل در دفع آن نبندد. روباه گفت: اگر ملک مثال دهد، توقّفی نرود و به یمن اقبال او این قدر فرو نماند و چون فرّ و جمال و شکوه و بهای او اندک‌مایه نقصان گرفته، بدان سبب از بیشه بیرون نمی‌توان رفت.»

- (۱) یک
 (۲) دو
 (۳) سه
 (۴) چهار

۱۸۱- در گروه کلمات زیر، املاي چند واژه نادرست است؟

«مذلت و خذلان - الم کردن شهدا - اندوه و محنت - صیغ و خنجر - چوپان گرگ طبع - بوم محنت - طالع مسعود - آمل و کارگزار - پیک اجل - غزش شیران»

(۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) دو

۱۸۲- در چند مورد از ابیات زیر غلط املايي مشهود است؟

(الف) مهر خاموشی صدف را کرد معمور از گهر
(ب) ذلیل و خسته و منکوب و مخزول
(ج) از قحط امتیاز معانی در این بساط
(د) نسیم لطف خوشش را تباع آب بقا
(ه) صید صلحا می کند آن آهوی صیاد

(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) یک

۱۸۳- در کدام گزینه غلط املايي وجود دارد؟

(۱) حکیم زد مثلی کز خطا صواب آید
(۲) پی رضای حق این خال عار و جامه ننگ
(۳) ایام فراغ چون به سر آمده است
(۴) ز آب شمشیرش طوفان دگر خواهد خاست

۱۸۴- در کدام گزینه فعل «گزارد / گذارد» با املاي صحیح آمده است؟

(۱) به شام والی بگماشت تا فرستد حمل
(۲) بفرمود تا قارن نیک خواه
(۳) عقل با حکم او گزارد گام
(۴) من دل به تو سپردم تا شغل من بسنجی

۱۸۵- در کدام بیت «ترکیب اضافی» بیشتری به کار رفته است؟

(۱) در مملکت چو غزش شیران گذشت و رفت
(۲) ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن
(۳) ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ طبع
(۴) آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام

۱۸۶- نقش دستوری واژگان مشخص شده در کدام گزینه نادرست آمده است؟

(۱) آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام
(۲) ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ طبع
(۳) بادی که در زمانه بسی شمعها بکشت
(۴) ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن

۱۸۷- در کدام مصراعها «مسند» یافت می شود؟

(الف) زاهد خلوت نشین دوش به میخانه شد
(ج) گل عزیز است، غنیمت شمردش صحبت

(۱) الف، ب (۲) ب، ج (۳) ج، د (۴) الف، د

۱۸۸- کاربرد معنایی «ردیف» در کدام بیت متفاوت است؟

(۱) عشق از خاکستر ما ریخت رنگ آسمان
(۲) خط کافر لعل سیراب تو را کم گرفت
(۳) شوخ چشمی می برد از پیش کار خویش را
(۴) از وصال ماه مصر، آخر زلیخا جان گرفت

لب ببند از گفت و گو، گنجینه اسرار باش
شکسته دل تر از حاکم معزول
تحسینم این بس است که ننگ فرامتم
زبانۀ غضبش را طبیعت طاعون
خون عقلا می خورد این غمزه صیاف

صواب رفت و صواب آمد و زلفت خطا
بر روی و پیکر دین محمدی میسند
من نیز به سوی تو به سر می آیم
گر مسلمان نشود گبر و یهود و ترسا

به روم عامل بنشانند تا گذارد مال
شود باز و پاسخ گزارد ز شاه
فضل با طبع او گشاید راز
زان دل به تو سپردم تا حق من گذاری

این عوعو سگان شما نیز بگذرد
تأثیر اختران شما نیز بگذرد
این گرگی شبان شما نیز بگذرد
بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد

بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد (مسند - قید)
این گرگی شبان شما نیز بگذرد (مفعول - نهاد)
هم بر چراغدان شما نیز بگذرد (نهاد - متمم)
تأثیر اختران شما نیز بگذرد (صفت - مضاف الیه)

(ریاضی ۹۵ با تغییر)

(ب) گدای شهر نگه کن که میر مجلس شد

(د) دی شد و بهمن آمد

(۱) الف، د (۲) ج، د (۳) الف، د

(ریاضی ۹۵)

این شرار شوخ، اول در دل آدم گرفت
دیو از دست سلیمان، عاقبت خاتم گرفت
دامن گل را ز دست بلبلان شبنم گرفت
دست خود بوسید هر کس دامن پاکان گرفت

(انسانی ۹۵)

۱۸۹- معنای «ردیف» در کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- (۱) تنه‌انه من به دانه خالت مقیدم
 (۲) نامم به عاشقی شد و گویند توبه کن
 (۳) آن مدعی که دست ندادی به بند کس
 (۴) شرح غمت به وصف نخواهد شدن تمام
- ۱۹۰- در چند مورد از ابیات زیر مسند به کار رفته است؟
 (الف) فرو خوردم ز غیرت گریه مستانه خود را
 (ب) راه خوابیده رسانید به منزل خود را
 (ج) در بهاران پوست بر تن پرده بیگانگی است
 (د) آن چنان کز خط سواد مردمان روشن شود
 (ه) چشم دلسوزی مدار از هم‌رهان روز سیاه
 (و) ای گل که موج خنده‌ات از سر گذشته است
 (ز) دل منه بر اختر دولت که در هر صبحدم
- (۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) شش

۱۹۱- در منظومه زیر به ترتیب چند ترکیب اضافی و چند مسند وجود دارد؟

«من به بی‌سامانی / باد را می‌مانم / من به سرگردانی / ابر را می‌مانم / قصه بی‌سروسامانی من / باد با برگ درخت می‌گفت / باد با من می‌گفت: / چه تهیدستی مرد / تو به تنهایی من، خوشبختی / من به زیبایی تو، غمگینم»

- (۱) چهار - یک (۲) چهار - سه (۳) پنج - یک (۴) پنج - سه

۱۹۲- تعداد ترکیب‌های اضافی و وصفی به ترتیب در کدام بیت نادرست آمده است؟

- (۱) ببر زین خاکدان زنهار با خود سرمه بینش
 (۲) ز چشم بد خدا آن چشم میگون را نگه دارد
 (۳) همه‌کس طالب آن سرو روان است این جا
 (۴) کم نشد از گریه مستانه خواب غفلتم
- وگرنه کور هیاهت است در محشر شود بینا (یک - یک)
 که در هر گردشی مست تماشا می‌کند ما را (یک - سه)
 آب حیوان ز نفَس سوختگان است این جا (سه - پنج)
 سیل نتوانست کند از جای خود این سنگ را (سه - دو)

۱۹۳- تعداد «مفعول» و «ترکیب‌های اضافی» به ترتیب در کدام بیت تماماً درست آمده است؟

- (۱) سهم بدخواه بس ای چرخ، نهان ساز کمان
 (۲) در حقیقت یک گلستان گل خرید از گل فروش
 (۳) چرخ شنید ناله‌ام گفت منال سعدیا
 (۴) سیلاب نیستی را سر در وجود من ده
- نیزه خصم بس ای مهر، بینداز سپر (یک - سه)
 آن‌که از این سنبل صدبرگ یک گلدان خرید (دو - یک)
 گاه تو تیره می‌کند آینه جمال من (سه - چهار)
 کز خاکدان هستی بر دل غبار دارم (دو - سه)

(انسانی ۹۳)

۱۹۴- زمان فعل‌های جمله‌های اول، سوم، چهارم، ششم و هفتم به ترتیب در کدام گزینه درست است؟

«خط، هر قدر هم زیبا و چشم‌نواز باشد، همین که از لطف معنی و عمق اندیشه دور باشد، بیننده کاردان را به خود جلب نمی‌کند و اگر هم جلب نظر کند، بی‌شک کوتاه و سطحی خواهد بود. از این رو، خوش‌نویس، پیش از آن‌که قلم را به قصد خوش‌نویسی به دست گیرد، متن دل‌نشین را می‌جوید.»

- (۱) مضارع التزامی - مضارع اخباری - مضارع التزامی - مضارع اخباری
 (۲) ماضی التزامی - مضارع اخباری - مضارع اخباری - مضارع التزامی - ماضی استمراری
 (۳) مضارع اخباری - ماضی استمراری - مضارع اخباری - مضارع اخباری - ماضی استمراری
 (۴) مضارع التزامی - مضارع اخباری - مضارع التزامی - مضارع اخباری - مضارع اخباری

۱۹۵- در کدام گزینه جمع مکسر وجود ندارد؟

- (۱) جنون آواره دیر و حرم عمریست می‌گردم
 (۲) هر چند هر یک از حکما شعر خویش را
 (۳) گرد او وهم گشت نتوانست
 (۴) صحرا چه بود؟ زمین امکان
- مکاتیب نفس پره‌رزه عنوان بود در دستم
 در نام و کنیت تو بهای گران نهاد
 گرد اسرار غیب نتوان گشت
 کان اسست کتساب حق تعالی

۱۹۶- نقش یکی از واژه‌های مشخص شده در کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) تو بدری و خورشید تو را بنده شده است
 (۲) هر روز دلم به زیر باری دگر است
 (۳) به پیر آن زمان گفت گورد دلیر
 (۴) همه گنج ایران در این قلعه کرد
- تا بنده تو شده‌ست تابنده شده است (مضاف‌الیه - مسند)
 در دیده من ز هجر خاری دگر است (صفت - نهاد)
 که بختت جوان باد رأی تو پیر (نهاد - مسند)
 ز بیم گزند آن شمه رادمرد (نهاد - صفت)

۱۹۷- در کدام گزینه نقش ضمیر متصل «متمم» است؟

- (۱) یک قطره ز آب شرم و یک ذره وفا
 (۲) یاری که به بندگیست اقرار دهد
 (۳) هزار سال بقا بخشدت مدایح من
 (۴) گر سرم می‌رود از عهد تو سر باز نیچم
- در چشم و دلت خدای داناست که نیست
 با او تو چنین کنی! دلت بار دهد؟
 چنین نفیس متاعی به چون تو ارزانی
 تا بگویند پس از من که به سر برد وفا را

قلمرو ادبی

۱۹۸- هر دو آرایه مقابل همه ابیات، درست است، به جز

- (۱) سال‌ها زان لعل نوشین کامران بودیم و اکنون
 (۲) عشق، بازای که جانی به تنم باز آید
 (۳) شمع لرزان شبانگاهم و جانم به سر دست
 (۴) ماه کنعان چو به تلخی به دل چاه کند جان
- باری از آن تیر مژگان گر که نیش آید خوش آید (تشبیه - استعاره)
 دل، نیازار که دلبر به سر نیاز آید (جناس همسان - استعاره)
 تا نسیم سحر بال و پرافشان به بر آید (تشبیه - کنایه)
 کاروان گو همه با بار گلاب و شکر آید (استعاره - کنایه)

۱۹۹- در کدام بیت، هر دو آرایه «تشبیه و استعاره» وجود دارد؟

- (۱) صد باد صبا این جا با سلسله می‌رقصند
 (۲) اگر چه مهر بریدی و عهد بشکستی
 (۳) پیش رویت دگران صورت بر دیوارند
 (۴) ما چو دادیم دل و دیده به طوفان بلا
- این است حریف ای دل تا باد نیپمایی
 هنوز بر سر پیمان و عهد و سوگندم
 نه چنین صورت و معنی که تو داری، دارند
 گو بیا سیل غم، این خانه ز بنیاد بر

۲۰۰- بیت زیر فاقد کدام آرایه‌ها است؟

- (با شکوه کوه فضلت، ابر گریان بر جبال)

- (۱) تشبیه، تضاد (۲) استعاره، جناس

۲۰۱- آرایه‌های کدام گزینه در بیت زیر، موجود نیست؟

- «چو آب، آشفته، جان بر کف، دوام تا کجا سروی»

- (۱) استعاره، مراعات‌نظیر (۲) ایهام تناسب، مجاز

۲۰۲- آرایه‌های «مجاز، ایهام، کنایه، تشبیه، تلمیح» به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شود؟

- (الف) اگر دو چشم تو مست مدام خواهد بود
 (ب) کسی که نقد خرد داد و ملک عشق خرید
 (ج) چو خامه هر که حدیث دل آورد به زبان
 (د) طالب لعل توام کان که به ظلمات افتاد
 (ه) هر که زین رهگذرش پای فرو رفت به گل
- خروش و مستی ما بر دوام خواهد بود
 اگر ز سود و زیان بگذرد، زیان نکند
 طمع مدار که سر بر سر زبان نکند
 طلب چشمه حیوان نکند، چون نکند؟
 میل آن سرو خرامان نکند، چون نکند؟

- (۱) الف، ب، ه، ج، د (۲) الف، ه، ج، د (۳) ج، الف، ه، ب، د (۴) ج، د، الف، ب، ه

(تهری ۹۲)

۲۰۳- در کدام بیت همه آرایه‌های «استعاره، تشخیص، تشبیه و حس آمیزی» وجود دارد؟

- (۱) نسیم ناامیدی، بد ورق‌گرداندنی دارد
 (۲) ندارد بی‌قراری حاصلی غیر از پشیمانی
 (۳) ز رقص مرغ بسمل این نوا در گوش می‌آید
 (۴) سزای توسست چون گل‌گریه تلخ پشیمانی
- در ایام برومندی در بستان‌سرا بگشا
 میان خویش را چون موج از بحر بلا بگشا
 که ساحل چون شود نزدیک، بازوی شنا بگشا
 که گفت ای غنچه غافل، دهن پیش صبا بگشا؟

(زبان ۹۲)

۲۰۴- در کدام بیت همه آرایه‌های «استعاره، مجاز، کنایه و تشخیص» وجود دارد؟

- (۱) در کام صدف تلخ کند آب گهر را
 (۲) در دور لب لعل تو یاقوت ز معدن
 (۳) شد آینه از دیدن رخسار تو محروم
 (۴) در روز جزا سنبل گلزار بهشت است
- حرفی که از آن لعل شکربر برآید
 چون لاله جگرسوخته از سنگ برآید
 تا روی لطیف تو که را در نظر آید
 عمری که به اندیشه زلف تو سرآید

(تهری ۹۱)

۲۰۵- چنانچه ابیات زیر را به لحاظ دارا بودن آرایه‌های «کنایه، تشبیه، ایهام، استعاره و جناس» مرتب کنیم، کدام ترتیب درست است؟

- (الف) غنیمت دان، اگر دانی که هر روز
 (ب) برو شادی کن ای یار دل‌افروز
 (ج) اگر کساد شکر بایدت، دهن بگشای
 (د) اگر ملول شوی یا ملامتم گویی
 (ه) ملامتم نکند هر که معرفت دارد
- ز عمر مانده روزی می‌شود کم
 چو خاکت می‌خورد چندین مخور غم
 ورت خجالت سرو آرزو کند، بخرام
 اسیر عشق نیندیشد از ملال و ملام
 که عشق می‌بستاند ز دست عقل زمام

(۱) الف، ج، ه، د (۲) ب، ج، الف، ه، د (۳) د، ب، الف، ه، ج (۴) د، ه، ج، الف، ب

۲۰۶- در همه ابیات به جز بیت گزینۀ آرایه «استعاره» به کار رفته است.

- (۱) آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام
 (۲) بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت
 (۳) زین کاروان‌سرای، بسی کاروان گذشت
 (۴) ای تو زمه سپرده به چوپان گرگ‌طبع
- بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد
 هم بر چراغدان شما نیز بگذرد
 ناچار کاروان شما نیز بگذرد
 این گرگی شبان شما نیز بگذرد

۲۰۷- در کدام گزینه آرایه «تشبیه» به کار نرفته است؟

- (۱) وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب
 (۲) بر تیر جور‌تان ز تحمل سپر کنیم
 (۳) در مملکت چو غرش شیران گذشت و رفت
 (۴) آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام
- بر دولت آشیان شما نیز بگذرد
 تا سختی کمان شما نیز بگذرد
 این عوعو سگان شما نیز بگذرد
 بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد

۲۰۸- در همه گزینه‌ها به جز گزینه آرایه «استعاره» یافت می‌شود.

- (۱) خورشید که شمع ماه روشن از اوست
 (۲) به نرمی آستین پیرهن، بر چهره‌ات مالم
 (۳) چه خفته‌اند در این کاروان‌سرا مردم
 (۴) اگر به عقل و سخن گشته‌ای بر این رمه میر
- از پرتو شمع دولتت روشن باد
 عرق چینم ز گلبرگ ترت آهسته آهسته
 که این محل عبور است، نه مکان حضور
 چراز عقل و سخن چون رمه رمان شده‌ای؟

۲۰۹- آرایه ذکرشده در مقابل کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) بر از شاخ طوبی کسی برنداشت
 (۲) خون هزار سرو دلاور به خاک ریخت
 (۳) کنعان ز آب دیده یعقوب شد خراب
 (۴) خانه زندان است و تنهایی ضلال
- که امروز تخم ارادت نکاشت (تشبیه - مجاز)
 ای سایه! های‌های لب جویبار کو؟ (استعاره - کنایه)
 ابر سفید این همه باران نداشته است (جناس - تلمیح)
 هر که چون سعدی گلستانیش نیست (تشبیه - ایهام)

۲۱۰- در کدام گزینه آرایه «استعاره» به کار رفته است؟

- ۱) شگفتی نباشد که در بوستان‌ها
- ۲) شکل صنوبر قد تو چون پدید شد
- ۳) دی شانه زد آن ماه خم گیسو را
- ۴) دور از وطن خویش و به غربت مانده

۲۱۱- آرایه‌های «تشبیه، استعاره، جناس، حس آمیزی، مجاز» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- الف) یاد ایامی که از رنگین خیالی هر نفس
- ب) هم چون شرر که زاد و هم اندر زمان بمرد
- ج) این عزّ و این بزرگی و این جاه و این جمال
- د) دوران دهر و تجربتم سر سپید کرد
- ه) من اختیار نکردم پس از تو یار دیگر

۱) ه، د، ب، الف، ج ۲) ب، ج، د، الف، ه ۳) ه، ج، ب، الف، د ۴) ب، د، الف، ج، ه

قلم و قلمری

۲۱۲- مفهوم کدام بیت، یادآور بیت زیر است؟

- «بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت
- ۱) سر به خاک آورد امروز آن که افسر داشت دی
- ۲) تا گشودم دیده روشن در این ظلمت‌سرا
- ۳) عمر شیرازه گل‌های چمن ده روزه است
- ۴) صبر بر داغ دل سوخته باید چون شمع

۲۱۳- مفهوم «الدهرُ یومان یومٌ لک و یومٌ علیک» از همه ابیات دریافت می‌شود، به جز

- ۱) زمانه گر بزند آتشم به خرمن عمر
- ۲) پشت هر غم شادایی بنهفته، بنگر آسمان
- ۳) نیست غم گر به دل از عشق غباری برسد
- ۴) دیروز اگر سوخت ای دوست غم برگ و بار من و تو

۲۱۴- کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

- «آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام
- ۱) بی اجل یاد کسی خلق به نیکی نکنند
- ۲) ما بارگه دادیم این رفت ستم بر ما
- ۳) هیچ شک نیست به تیر اجل ای یار عزیز
- ۴) چو خواهی عاقبت شد رزق موران

۲۱۵- کدام بیت با بیت «علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را؟ / که به ماسوا فکندی همه سایه هما را» ارتباط مفهومی دارد؟

- ۱) آن رخ از رحمت به خط سبز دارد آیتی
- ۲) هر که از سرّ علی نور ولایت دید گفت
- ۳) خوش آن که او را در دل بود ولای علی
- ۴) خدا را ریبت رحمت، نبی را بهترین آیت

(تبری ۱۴۰۰)

(فارج تبریزی ۱۴۰۰)

(فارج انسانی ۱۴۰۰)

۲۱۶- همه ابیات به جز بیت گزینۀ با بیت زیر قرابت مفهومی دارند.

«آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام
 (۱) مرگ است چاره، زندگی ناگوار را
 (۲) گرچه مرگ از پی پیری است جوان غزه مشو
 (۳) به هیچ حيله ز پیش اجل خلاصی نیست
 (۴) خدنگ چارپیر مرگ باز نتوان داشت

بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد»

جز مرگ اگر تو چاره‌گری یافتی بگو
 کاین بلایی است که بر پیر و جوان می‌گذرد
 ز گرگ اگر بجهی پوست می‌کند سلاح
 هزار تو اگر تدرع و جوشن و سپر است

۲۱۷- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات یکسان نیست؟

(۱) عَزَّ غنا فانی است، فضل سخن جاودان
 (۲) زود عنان خرد، از کف شهوت برآر
 (۳) گیرمت از مال و جاه، بر سر گردون پری
 (۴) کشت عمل گیرمت لعل درآرد به بار

که به تیغ مرگ نتوان سیر از کلاه کردن
 که این بود ز فنا ناگزیر و آن ز زوال
 بود ظلمت نصیب از چشمه حیوان سکندر را
 طبل سکندر و عَلم کاویان کجاست؟

۲۱۸- همه ابیات مفهومی مشترک دارند، به جز

(۱) به غرور جاه و شوکت ز قضا مباش ایمن
 (۲) نه ملک دان سبب افتخار خویش و نه مال
 (۳) ز آب زندگی آینه هم زنگار می‌گیرد
 (۴) تاج قباد و تخت فریدون، نگین جم

که می‌داند که جم کی بود و کی کی
 کو اختر اسکندر و کو افسر دارا
 به مرو آ تاکنون در گل تن الب ارسلان بینی
 می‌خورد خضر آن چه اسکندر تمنا می‌کند

۲۱۹- مفهوم کدام بیت با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

(۱) بده جام می و از جم مکن یاد
 (۲) خاتم چه شد و تخت سلیمان به کجا رفت
 (۳) سر الب ارسلان دیدی ز رفعت رفته بر گردون
 (۴) نیست زور بازوی دولت در این ره دستگیر

۲۲۰- مفهوم مقابل بیت «ای تو زمه سپرده به چوپان گرگ طبع / این گرگی شبان شما نیز بگذرد» در کدام گزینه مشهود نیست؟

به دولت‌خانه فرماندهی نوشیروان آمد
 بلی کجا رمه ماند چو گرگ شد چوپان
 همیشه جنگ و جدل با که با شبان دارد
 گرگ و میش از عدل او باشند در یک آبخور

(۱) کنون ای آسمان ظلم و ستم بر طاق نسیان نه
 (۲) وزارت تو همی‌گفت عدل را بدرود
 (۳) به عهد عدل تو گرگ از پی رعایت میش
 (۴) باز و کبک از امن او باشند در یک آشیان

۲۲۱- کدام گزینه با بیت «ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن / تأثیر اختران شما نیز بگذرد» تناسب مفهومی ندارد؟

زیرا که با زوال همال (= شریک) است دولتش
 ساده لوح است آن که با اقبال دشمن، دشمن است
 بلنداقبال چون از زبردستان سایه واگیرد
 که نیست مسند تخت تو پایدار، بمیر

(۱) غزه مشو به دولت و اقبال روزگار
 (۲) آفتاب از اوج عزت می‌نهد رو در زوال
 (۳) چو خورشید درخشان در زوال خویش می‌کوشد
 (۴) ز نازبالش دولت سری برآر و بدان

۲۲۲- مفهوم کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها یکسان نیست؟

از بیخ برکنند، که درختان بی‌برند
 جهان زین بیشتر ویران نماند
 چه از فربهی بایدش کند پوست
 می‌کند ویران نسیمی خانه صیاد را

(۱) ارباب ظلم را به ستم دست روزگار
 (۲) بنای ظلم در دوران نماند
 (۳) مکن صبر بر عامل ظلم دوست
 (۴) پایداری نیست در آب و گل بنیاد ظلم

۲۲۳- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) این چنین مستغنی از حال تهی‌دستان مباش
 (۲) با تهی‌دستان مدارا کن به شکر این‌که هست
 (۳) دعای جوشن خرمین بود دلجویی موران
 (۴) دلاگر دولتی داری طلب کن جای درویشان

۲۲۴- کدام گزینه با مصراع «گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو گشت» تقابلی مفهومی دارد؟

- (۱) ای دل چو وصال یار دیدی حالی
 (۲) کنون که چشمه قند است لعل نوشینت
 (۳) تا به خروارست شکر لعل نوشین تو را
 (۴) نوش لب لعل تو قیمت شکر شکست

۲۲۵- کدام گزینه با آیه «کل نفس ذائقة الموت» تناسب مفهومی ندارد؟

- (۱) روزی که چراغ عمر خاموش شود
 (۲) به گردن همه تیغ اجل درآمده است
 (۳) به غیر از مرگ هر دردی که یابی باشدش درمان
 (۴) تو را این مرگ هر دم در کمین است

۲۲۶- همه گزینه‌ها به استثنای بیت با بیت زیر تناسب معنایی دارند.

- «زین کاروان‌سرای بسی کاروان گذشت»
 (۱) دنیا چو رباط و ما در او مهمانیم
 (۲) تا زایم در غم تو جامه درم
 (۳) عارفان رفتند از این عالم بسی
 (۴) بود پیش دانای مشکل‌گشای

۲۲۷- مفهوم کدام بیت به بیت «بر تیر جور تان ز تحمل سپر کنیم / تا سختی کمان شما نیز بگذرد» نزدیک است؟

- (۱) چون دل ز هوای دوست نتوان پرداخت
 (۲) پس از تحمل سختی امید وصل مراست
 (۳) درختی که پیوسته بارش خوری
 (۴) سپر صبر تحمل نکند تیر فراق

۲۲۸- مفهوم همه ابیات یکسان است به جز

- (۱) منت خدای را که به وجود امام حق
 (۲) علی‌اش جلوه کند هرکه خدا را طلبد
 (۳) کس علی را جز خدا نشناخت آری
 (۴) نشناخت کس خدا جز از آن حجت مبین

۲۲۹- مفهوم کدام گزینه با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) برای بخشش خاتم که در رکوع چو موج
 (۲) آن‌که در انگشت حکم خاتم توقیع او
 (۳) بهر رضای حضرت معبود در رکوع
 (۴) به شاهی که او در نماز ایستاده

- آخر ای منعم نگاهی کن به حاجتمند خویش
 گرد دامان تو را در آستین اکسیرها
 رعایت کن برای حفظ جمعیت فقیران را
 که نور دوستی پیداست در سیمای درویشان

- در پای غمش بمی‌ر، تا کی نالی؟
 سخن بگوی و ز طوطی شکر دریغ مدار
 در دلم عشقت به خروارست گویی نیست هست
 چین سر زلف تو رونق عنبر شکست

- در بستر مرگ عقل مدهوش شود
 سبک‌سری که ز شمشیر مرگ بر حذر است
 به جز زخم زبان هر زخم کاری مرهمی دارد
 بترس از وی که مرگ ما همین است

- ناچار کاروان شما نیز بگذرد»
 تا ظن نبری که ما در او می‌مانیم
 وز پس مرگ نوبت کفن است
 ما دگر چون عارفان خواهیم رفت
 تو مهمان، جهان همچو مهمان‌سرای

- درمانش تحمل است و سر پیش انداخت
 که صبح از شب و تریاک هم ز مار آید
 تحمل کن آن‌گه که خارش خوری
 با کمان‌ابرو اگر جنگ نیاغازی به

- بشناختم به حق و یقین و حقیقتش
 که خدا را علی آینه و مظهر باشد
 قابل این نکته خیر المرسلین شد
 الحاصل از وجود علی جز خدا مبین

- از آن به بحر کفش گشت بی‌قرار انگشت
 حلقه نه آسمان چون حلقه انگشتر است
 شاهی که داد خاتم خود بر گدا یکی است
 تصدق نموده است خاتم به سائل

۲۳۰- همهٔ ابیات به جز بیت گزینۀ با هم قرابت مفهومی دارند.

- (۱) گوش دلم بر در است تا چه بیاید خبر
 (۲) ماییم و دل و آرزوی یار و دگر هیچ
 (۳) پاسبان حرم دل شده‌ام شب همه شب
 (۴) غمین به گوشهٔ صحرا بودم دوش

۲۳۱- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات یکسان نیست؟

- (۱) با کدامین گفت‌وگو وصف تو را سازم بیان؟
 (۲) اوصاف کمالات تو از شرح فزون است
 (۳) خموش، وصف دل اندر بیان نمی‌گنجد
 (۴) گر فی‌المثل چو تیغ زبان آهنین کنم

۲۳۲- کدام گزینه با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

- «چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان»
 (۱) خانهٔ پیمان که دیوار و درش ز آینه بود
 (۲) چه عهدها که بستند کوفیان با وی
 (۳) سعادت عهد و پیمان بست با او تا که محشر
 (۴) پاکبازان بر بساط عشق پی گم کرده‌اند
- چو علی که می‌تواند که به سر برد وفا را»
 شد به دوران تو چون سدّ سکندر استوار
 عجب به عهد خود آن ناکسان وفا کردند
 قضای ایزدی در عهدهٔ آن عهد و پیمان شد
 خون دل را بر لب همّت تبسم کرده‌اند



قلمرو زبانی

۲۳۳- معنای واژه‌های «حَقَّه، صبا، محض، حضرت» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) جعبه، بادی که از طرف شمال غرب می‌وزد، صاف، پیشگاه
 (۲) نیرنگ، باد پاییزی، مجرّد، حضور
 (۳) صندوق، باد بهاری، بی‌آلایش، آستانه
 (۴) حيله، بادی که از غرب می‌وزد، خالص، درگاه

۲۳۴- معنی واژه‌های «حدیث، سودا، معاش، زینهار» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) ماجرا، خیال، زندگانی، امانت
 (۲) روایت، عشق، زیست، مهلت
 (۳) روایت، هوس، خوش گذرانی، برحذر باش
 (۴) سخن، عشق، زندگی، آگاهی

۲۳۵- واژه «سودا» در کدام گزینه معنایی متفاوت با سایر گزینه‌ها دارد؟

- (۱) چو گل‌گر خردهای داری، خدا را صرف عشرت کن
 (۲) در غمزه جادوی او نیرنگ رنگارنگ بین
 (۳) رحم کن سودای ما بیچارگان بر هم مزین
 (۴) دلم از پختن سودای وصال تو بسوخت

۲۳۶- در کدام بیت غلط املائی وجود ندارد؟

- (۱) آن‌که گردون را بر او ترجیه نتواند نهاد
 (۲) آسیا شد صخره بهر دست شاهان اروپ
 (۳) نه مر مرا که نظیرم نزاده مادر دحر
 (۴) گر آب حیات است، چو استاد شود سبز

۲۳۷- در متن زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

«گفت بلی به حکم آن‌که در آن تواضع منفعتی می‌شناخت آن را مزلت نشمرد و در لباس آر پیش تبع نیاورد و این کلمه جان حکمت و کان موعظت گشت

که هر که بر خود پادشاه تواند بود او را از بندگی کردن همه پادشاهان ننگ آید.»

- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۲۳۸- معنی واژه‌های «معاش، صبا، حدیث، سودا» در کدام گزینه درست است؟

- (۱) زندگی، باد پاییزی، روایت، هوس
 (۲) زیست، بادی که از شمال شرقی وزد، ماجرا، اندیشه
 (۳) روزی، باد بهاری، سخن، عشق
 (۴) زندگانی کردن، بادی که از شمال شرقی وزد، تازه، غم

۲۳۹- در همه گزینه‌ها به جز گزینه غلط املائی مشهود است.

- (۱) وانگاه بر کران چشمه‌ای رفته که در آن گوکان بسیار بودند و ملک کامگار و متاع داشتند و خویشتن بر طرفی بیفکند.
 (۲) سبک آن سخن در غالب آرزوی او نشیند و گفته‌اند چنان‌که به آهن پولاد آهن‌های دیگر شکافند به الفاظ شیرین سلب عادت مردم کنند.
 (۳) و آن‌گاه انواع فکرته به کار رود تا استقامتی پیدا آید و از هر دو جانب عزم مصمم شود و هر وزیر از شنودن این حکایات مستغنی است.
 (۴) و اصرار ملوک را منازل متفاوت است. بعضی آن است که دو تن را محرم آن نتواند داشت و در بعضی جماعتی را شرکت شاید داد.

(ریاضی ۱۴۰۰)

۲۴۰- تعداد جمله‌های کدام بیت با بیت زیر یکسان است؟

- «چو گفتمش که دلم را نگاه دار چه گفت
 (۱) گفتمش مهر فروغی به تو روزافزون است
 (۲) قرار و خواب ز حافظ طمع مدار ای دوست
 (۳) هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت
 (۴) جانان من برخیز و بشنو بانگ چاووش
 ز دست بنده چه خیزد خدا ننگه دارد»
 گفت من هم به خلافتش دل پرکین دارم
 قرار چیست، صبوری کدام و خواب کجا؟
 آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت
 آنک امام ما علمم بگرفته بر دوش

۲۴۱- در همه ابیات به جز گزینه ضمیر پیوسته، وابسته متمم است.

- (۱) عشق تو هرگز ز سر نرود
 (۲) اجل چون به خونش برآورد دست
 (۳) گرت بیخ اخلاص در بوم نیست
 (۴) بازم نفس فرو رود از هول اهل فضل

۲۴۲- در کدام بیت ضمیر پیوسته وابسته «مسند» است؟

- (۱) ما را به آب دیده شب و روز ماجراست
 (۲) طربسرای محبت کنون شود معمور
 (۳) نسیم زلف تو چون بگذرد به تربت حافظ
 (۴) من این دلق مرقع را بخوام سوختن روزی

۲۴۳- در کدام بیت ضمیر متصل، مضاف‌الیه گروه مفعولی واقع شده است؟

- (۱) طفل اشکم خاک بازی‌ها کند در چشم تر
 (۲) هنوزت اجل دست خواهش نیست
 (۳) می‌گیریم و مرادم از این سیل اشکبار
 (۴) گفتم که بر خیالت راه نظر بندم

۲۴۴- در چند مورد از ابیات زیر، ضمیر متصل نقش مفعولی دارد؟

- (الف) عشقت رسد به فریاد ار خود به سان حافظ
 (ب) چو پیر سالک عشقت به می حواله کند
 (ج) گیرم که دهندت مزد بی‌کوشش و بی‌زحمت
 (د) پیش از آن کت اجل کند در خواب
 (ه) بکن چندان که خواهی جور بر من
 (و) هر دم ز سوز عشقت سعدی چنان بنالد
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۲۴۵- واژه مربوط به ضمیر پیوسته در کدام گزینه نادرست آمده است؟

- (۱) من آنم ز پای اندر افتاده پیر
 (۲) بضاعت نیاوردم إلا امید
 (۳) چو یعقوبم ار دیده گردد سپید
 (۴) بدان زهره دستت زدم در رکاب

۲۴۶- در کدام گزینه ضمیر پیوسته در هر دو مصراع نقشی یکسان دارد؟

- (۱) رقیبان خبر یافتندش ز درد
 (۲) غلامی شکستش سر و دست و پای
 (۳) چو پیلش فرو رفت گردن به تن
 (۴) به عشق کوهکن دیدش گرفتار

۲۴۷- واژه قافیه در کدام گزینه «مفعول» است؟

- (۱) به یوسف چون رسد، جویای یوسف می‌شود ساکن
 (۲) خطر از سبزه بیگانه، بیش از زهر می‌باشد
 (۳) لبی خاموش‌تر از گوش صدف آماده می‌باید
 (۴) ندارد بهره‌ای از حسن معنی چشم صورت‌بین

- وز دل این آرزو به در نرود
 قضا چشم باریک‌بینش بیست
 از این بر کسی چون تو محروم نیست
 با کف موسوی چه زند سحر سامری؟

- زان رهگذر که بر سر کویش چرا رود
 که طاق ابروی یار منش مهندس شد
 ز خاک کالبدش صدهزار لاله برآید
 که پیر می‌فروشانش به جامی برمی‌گیرد

- دیده از خاک درت روزی که گردد کامیاب
 برآور به درگاه دادار دست
 تخم محبت است که در دل بکارمت
 گفتا که شبرو است او از راه دیگر آید

- قرآن ز بر بخوانی در چارده روایت
 بنوش و منتظر رحمت خدا می‌باش
 خود شرم نمی‌داری از اجرت مجانی
 خویشتن را به زندگی دریاب
 که دستت بر نمی‌دارم ز دامن
 کز شعر سوزناکش دود از قلم برآید

- دگر باره گفتندش این‌جا مگرد
 که باری نگفتمت ایدر میای
 نگشتی سرش تا نگشتی بدن
 پی آزادی‌اش دل ساخت بیدار

- وصال افزون کند شوق طلبکار معانی را
 جمال آشنارویان گلزار معانی را
 طلبکار وصال دُر شهوار معانی را
 به هر آینه منماید دیدار معانی را

۲۴۸- در کدام بیت ترکیب وصفی بیشتری به کار رفته است؟

- ۱) غیرت آن لعل میگون و عقیق ابدار
- ۲) دست گستاخی ندارد خار شرم‌آلود من
- ۳) به جمع مال دنیا هر که کوشد
- ۴) کجا پروانه را با خویش سازد هم‌نشین آتش

۲۴۹- در متن زیر نقش واژه‌های مشخص شده به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

«می‌توان گفت: همان‌طور که در سبک‌شناسی ساخت‌گرا ساخت زبان در نظر است، در سبک‌شناسی نقش‌گرا نقش‌های زبان متن مورد بررسی است. خود

زبان ادبی به عنوان نوعی از زبان نقش خاصی دارد که ممکن است زیبایی‌آفرینی یا تأثیر و نفوذ باشد.»

- ۱) متمم، مضاف‌الیه، صفت، مسند (۲) مسند، صفت، متمم، مفعول (۳) متمم، مسند، متمم، مسند (۴) مسند، مضاف‌الیه، مضاف‌الیه، نهاد

۲۵۰- در کدام گزینه نقش ضمائر متصل متفاوت است؟

- ۱) تا جان مرا باده مهرت سوده است
- ۲) در قعر دلم جواهر راز بسی است
- ۳) آن که در دامنش آویخته باشد خاری
- ۴) به جز صبا و شمالم نمی‌شناسد کس

۲۵۱- در کدام گزینه «مفعول» به کار رفته است؟

- ۱) نوبه زهدفروشان گران‌جان بگذشت
- ۲) در بر او دلبری هم‌چهره خورشید باد
- ۳) بیدار شو ای دیده که ایمن نتوان بود
- ۴) چیره شد چون بر سیه، موی سپید

۲۵۲- نقش ضمیر پیوسته در همه گزینه‌ها به جز یکسان است.

- ۱) می بده تا دهمت آگهی از سرّ قضا
- ۲) چه گویمت که به میخانه دوش مست و خراب
- ۳) بعد از این می ده ولی از کس مخواه
- ۴) دوش شراب ریختی وز بر ماگریختی

قلمرو ادبی

۲۵۳- در چند مورد از ابیات زیر قافیه و ردیف باهم به کار رفته است؟

- الف) گفتم ای سلطان خوبان رحم کن بر این غریب
 - ب) گدا را چو حاصل شود نان شام
 - ج) سمن‌بویان غبار غم چو بنشینند بنشانند
 - د) ای سنبل زلف سیهت چین همه بر چین
 - ه) گر دست رسد در سر زلفین تو بازم
 - و) دوش آگهی ز بار سفر کرده داد باد
 - ز) به ملازمان سلطان که رساند این دعا را
- ۱) دو ۲) سه ۳) چهار ۴) پنج

۲۵۴- در کدام گزینه واژه «مهر» ایهام ندارد؟

- ۱) تنم از واسطه دوری دلبر بگداخت
 - ۲) گیرم که برکنی دل سنگین ز مهر من
 - ۳) در انوار جمال مهر رویت
 - ۴) در پرتو حسن دلبری حیرانم
- جانم از آتش مهر رخ جانانه بسوخت
مهر از دلم چگونه توانی که برکنی
شدم چون ذره سرگشته حیران
کز مهر رخسار چو ذره سرگردانم

(انسانی ۸۵ با تغییر)

تو شوخ‌دیده مگس بین که می‌کنند بازی
می‌گذارم چو سبو دست به زیر سر خویش
گفتا غلطی خواجه در این عهد وفا نیست
چون نامه چرا یک دَمش از لطف خوانی

۲۵۵- در کدام بیت آرایه ایهام به کار نرفته است؟
(۱) به راستی که نه هم‌بازی تو بودم من
(۲) کرده‌ام خاک در میکه را بستر خویش
(۳) دی می‌شد و گفتم صنما عهد به جای آر
(۴) در راه تو حافظ چو قلم کرد ز سر پای

(زبان ۹۶)

گل ز سودای رُخت افتاده در بازارها
(۲) تشبیه، ایهام تناسب، کنایه، تشخیص
(۴) ایهام، تضاد، اسلوب معادله، مراعات‌نظیر

(ریاضی ۹۶)

کز نسیمش به دماغم همه بوی تو رسد
که لاله می‌دمد از خون دیده‌ی فرهاد
که عنان دل شنیدا به کف شیرین داد
خداوندانگه‌دارش که بر قلب سواران زد

نوید فتح و بشارت به مهر و ماه رسید
وی دو صد چندان که مهر از مه ز مهرت برتری
گفت تا کی سخن از باد هوا می‌گویی
مرهم جان‌هاست از یاد لب‌ت آزار عشق
من رخ بدین طرف نکنم ز آن‌که شاه دیدم
هست هم‌چون درم قلب و مس سیم‌اندود
ندانستم که آن‌جا هم میان مردمان باشی
نفس به بوی خوشش مشک‌بار خواهم کرد

روشنی‌بخش چراغ نظرم باز آید (کنایه - استعاره)
نور ز خورشید جوی بو که بر آید (تشبیه - ایهام)
کز عشق آن سرور روان گویی روانم می‌رود (سجع - جناس همسان)
روی ترش چون کنیم ناز گل تر کم‌تریم (حسن آمیزی - تلمیح)

۲۶۲- در کدام گزینه آرایه‌های «تشبیه و تشخیص» به کار نرفته است؟

دلدادگان خویش را می‌کش که از جان خوش‌تری
ای بسا ناله که از بلبل مفتون خیزد
گر نشد سرو، چرا ساکن و پابرجا شد؟
تا برون با آن رخ گلگون رویم

ای غلام تو بنده و آزاد (تشبیه - تضاد)
دشت جنون و دامن صحرا گشاده است (تشخیص - تشبیه)
به دو جام دگر آشفته شود دستارش (ایهام - کنایه)
کز آتش شوق بر گزند است (تشبیه - حسن آمیزی)

۲۵۶- در بیت «مکن عیبم که می‌کاهم چو ماه از تاب مهر او / که گر ماهی تب هجرش کشد کوهی شود کاهی» کدام آرایه‌ها وجود ندارد؟
(۱) کنایه، تشبیه، تضاد
(۲) استعاره، ایهام، حُسن تعلیل
(۳) مجاز، تناقض، حسن آمیزی
(۴) ایهام تناسب، تشخیص، مراعات‌نظیر

۲۵۷- آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

«ای ز مژگان تو در چشمم گلستان خارها»
(۱) تشبیه، پارادوکس، مراعات‌نظیر، تضاد
(۲) تشبیه، پارادوکس، مراعات‌نظیر، تضاد
(۳) ایهام تناسب، اسلوب معادله، تشخیص، کنایه

۲۵۸- در همه ابیات هر دو آرایه «ایهام و کنایه» وجود دارد، به جز

(۱) من به بوی توام ای دوست هواخواه بهار
(۲) ز حسرت لب شیرین هنوز می‌بینم
(۳) من همان روز ز فرهاد طمع ببریدم
(۴) خیال شهسواری پخت و ناگه شد دل مسکین

۲۵۹- در همه گزینه‌ها به جز گزینه آرایه «ایهام تناسب» به کار رفته است.

(۱) بیا که رایت منصور پادشاه رسید
(۲) ای مه بی‌مهر من، ای مهر و ماهت مشتری
(۳) گفتم از باد نسیم تو شنیدن چه خوش است
(۴) ای ز سودای تو در دل رونق بازار عشق

۲۶۰- در کدام بیت «ایهام تناسب» به کار نرفته است؟

(۱) عالم بساط بازی شطرنج امتحان است
(۲) این زر سرخ که روی تو ز عشقش زرد است
(۳) تو را در دیده جا کردم که از مردم نپاشی
(۴) چون باد عزم سر کوی یار خواهم کرد

۲۶۱- آرایه مقابل کدام گزینه نادرست آمده است؟

(۱) چشم دارم که مه نوسفرم باز آید
(۲) صحبت حکام، ظلمت شب یلداست
(۳) محمل بدار ای ساربان تندی مکن با کاروان
(۴) غصه تلخ از درون خنده شیرین زنیم

۲۶۲- در کدام گزینه آرایه‌های «تشبیه و تشخیص» به کار نرفته است؟
(۱) بخرام، ای سرور روان کز باغ رضوان خوش‌تری
(۲) سرور در باغ اگر همچو تو موزون خیزد
(۳) پیش رفتار تو ای آب روان، از تو خجل
(۴) ای صبا آن سرور بالا را بخوان
۲۶۳- آرایه‌های درج شده در مقابل کدام گزینه نادرست است؟

(۱) سرور آزاد بنده قد توست
(۲) گو تنگ باش دیده حسنت نگاه عقل
(۳) صوفی سرخوش از این دست که کج کرد کلاه
(۴) بدگوی که سرد گردد این دل

۲۶۴- در کدام گزینه جناس و تضاد وجود ندارد؟

- ۱) حذر کن از دم سرد گرفتاران مباد آن دم
- ۲) هر چند همه جور، جفای تو کشیدم
- ۳) چون دست دوست و دشمن خسرو بدو رسید
- ۴) پای ما لنگ است و منزل بس دراز

۲۶۵- در کدام گزینه «ایهام» به کار نرفته است؟

- ۱) در عهد تو هر چه من وفا کردم
- ۲) اگر دو چشم تو مست مدام خواهد بود
- ۳) چه ره بود این که زد در پرده مطرب
- ۴) کردیم هر آن حيله که عقل آن دانست

کزین سان تندبادی بر چنان سرو روان آید
هرگز نکنم مهر و وفای تو فرامشت
یک بهره گل بماند و دگر بهره خار شد
دست ما کوتاه و خرما بر نخیل

پاداش وفای من جفا کردی
خروش و مستی ما بر دوام خواهد بود
که می‌رقصند با هم مست و هشیار؟
تا بو که توان راه به جانان دانست

۲۶۶- آرایه‌های بیت «جای خنده است سخن گفتن شیرین پیشت / که آب شیرین چو بخندی برود از شکر» کدام است؟

- ۱) استعاره، مجاز، کنایه، تلمیح
- ۲) تشبیه، ایهام، مجاز، حسن تعلیل
- ۳) استعاره، ایهام تناسب، تلمیح، تناقض
- ۴) تشبیه، ایهام، استعاره، ایهام تناسب

۲۶۷- آرایه‌های بیت زیر کدامند؟

- «چو غنچه بر سرم از کوی او گذشت نسیمی
تشبیه، مجاز، تلمیح، تضاد
- کنایه، تشبیه، حس آمیزی، مجاز

که پرده بر دل خونین به بوی او بدریدم»
۲) ایهام، تشبیه، جناس، کنایه
۴) مجاز، ایهام، مراعات نظیر، حس آمیزی

(ریاضی ۹۸)

(تپری ۹۸)

قلم و قری

۲۶۸- مفهوم کدام بیت، در مقابل آن غلط آمده است؟

- ۱) اعتقادی بنما و بگذر بهر خدا
- ۲) آبش چو نخل بادیه از ابر می‌رسد
- ۳) چو گفتمش که دلم را نگاه دار چه گفت
- ۴) ای داور زمانه ملوک زمانه را

۲۶۹- مضمون و محتوای کدام بیت، متفاوت است؟

- ۱) ناخوش او خوش بود بر جان من
- ۲) نگاه تلخ و شکرخنده‌های شیرینش
- ۳) چون تلخ سخن رانی، تنگ شکر خوانم
- ۴) هرچه دیدم جز لب شیرین جانان تلخ بود

۲۷۰- مفهوم کلی کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) از خلاف آمد عادت بطلب کام که من
- ۲) گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد
- ۳) زلف آشفته او موجب جمعیت ماست
- ۴) اگر به زلف دراز تو دست ما نرسد

۲۷۱- مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- ۱) هنوز با همه بدعهدیت دعاگویم
- ۲) در ترک اعتبار است، گر هست اعتباری
- ۳) از خلاف آمد عادت بطلب کام که من
- ۴) کان که رست از رسم و عادت گوید او را سنتش

تا در این خرقه ندانی که چه نادریشم (غفلت و بی‌خبری)
هر کس که التفات به هر جو نمی‌کند (مناعت طبع)
ز دست بنده چه خیزد؟ خدا نگه دارد (ابراز عجز)
جز بر ارادت تو مسیر و مدار نیست (عدم اختیار)

جان فدای یار دل‌رنجان من
به مشرب من عاشق شراب هر دو یکی است
چون کار به جان آری، جان دگرت خوانم
عمر تلخ و عیش تلخ و کام دوران تلخ بود

کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم
گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید
چون چنین است پس آشفته‌ترش باید کرد
گناه بخت پریشان و دست کوتاه ماست

که گر به قهر برانی، به لطف بنوازی
چون سر برهنه گردید، گردون کلاه گردد
کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم
کای قفس بشکسته اینک شاخ طوبی مرحبا

(هنر ۱۴۰۰)

(زبان ۹۴)

(زبان ۹۰)

(فارغ از کشور ۹۵)

(ریاضی ۸۸)

۲۷۲- بیت «از خلاف آمد عادت بطلب کام که من / کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- ۱) هر چه خلاف آمد عادت بود
 ۲) من از جمعیت زلفی پریشانم که می‌موید (=می‌گرید)
 ۳) دست از طلب ندارم تا کام من برآید
 ۴) برخلاف عادت اصحاب فیل است ای عجب

(تبری ۹۲)

۲۷۳- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱) ای با همه کس به صلح و با ما به خلاف
 ۲) عوض شکوه کنم شکر چو یوسف اظهار
 ۳) به هر دردیت درمان هم ز درد است
 ۴) از خلاف آمد عادت بطلب کام که من

(زبان ۹۲)

۲۷۴- بیت «از خلاف آمد عادت بطلب کام که من / کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- ۱) از خرابی می‌شود دل صاحب گنج هنر
 ۲) فلک را مترسان به آه دروغین
 ۳) می‌کند پامال، تن آخر دل آسوده را
 ۴) عاشقان را شکوه‌ای از سختی ایام نیست

۲۷۵- کدام گزینه با بیت «گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد / گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید» تناسب مفهومی دارد؟

- ۱) ای زلف یار تا تو شدی دام دل مرا
 ۲) مست و سودایی شود خلوت نشین گر بشنود
 ۳) بس که در زلف تو دل‌های اسیران آب شد
 ۴) در شکنج سر زلف تو دریغ دل من

۲۷۶- همه ابیات به استثنای گزینه با بیت زیر قرابت معنایی دارند.

- «غم و شادی جهان را نبود هیچ ثبات
 ۱) شاد بر آنم که در این دیر تنگ
 ۲) در غم و شادی ایام مرا حال یکی است
 ۳) شادی و غم چو بر گذر است آن صواب‌تر
 ۴) ز غم مباش غمین و مشو ز شادی شاد

۲۷۷- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) شد بی شب زلف و روز رخسار تو باز
 ۲) با رخ و زلف تو گفتم که به روز آرم شب
 ۳) روزم شب است بی رخ چون آفتاب تو
 ۴) به چشمانت که گرچه دوری از چشم

۲۷۸- همه گزینه‌ها به جز با بیت زیر قرابت مفهومی دارند.

- «بی مهر رخت روز مرا نور نمانده است
 ۱) بی سرو قدت کار طرب راست نگردد
 ۲) رویی که روز روشن اگر برکشد نقاب
 ۳) شب از فراق تو می‌نالم ای پری رخسار
 ۴) دگر ز پرتو خورشید و نور ماه چه فیض

- وز عمر مرا جز شب دیجور نمانده است»
 بی شمع رخت عیش مرا نور نباشد
 پرتو دهد چنان که شب تیره اختری
 چو روز گردد گویی در آتشم بی تو
 مرا که بی مه روی تو دیده روشن نیست

۲۷۹- مفهوم کدام گزینه از دیگر گزینه‌ها دور است؟

- ۱) اسرار دوست هرچه شنیدی امانت است
- ۲) سر می‌رود به باد ز افشای راز عشق
- ۳) مگشای لب به قصه راز نهان «حزین»
- ۴) کس از کتمان راز خود پشیمان کی شود لیکن

۲۸۰- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱) ز راز دل نتوان پیش کس گشاد نفس
- ۲) تخم راز از سنگ خارا می‌جهد هم‌چون شرر
- ۳) در پرده اگر هست تو را خرده رازی
- ۴) هر آن راز نهان کز جام‌جم روشن نمی‌گردد

۲۸۱- کدام گزینه با عبارت «ای درویش ما موشی در حقه به تو دادیم تو پنهان نتوانی داشت؛ سرّ خدای با تو بگوییم چگونه نگاه خواهی داشت؟»

ارتباط مفهومی دارد؟

- ۱) تنها نه ز راز دل من پسرده برافتاد
- ۲) در قعر دلم جواهر راز بسی است
- ۳) چون خبر دارم ز ساز زندگی
- ۴) خامش باش و معتمد محرم راز نیک و بد

۲۸۲- کدام گزینه با بیت زیر تناسب مفهومی ندارد؟

- «حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست
- ۱) بیگانه نیست محرم آواز آشنا
 - ۲) تا نگردی آشنا زین پرده رمزی نشنوی
 - ۳) چون ز خویش و آشنا بیگانه شد باشد غریب
 - ۴) تا دوست نگردی، نشوی محرم دوست

۲۸۳- همه ابیات به جز بیت گزینۀ بیانگر مفهومی مشترک هستند.

- ۱) گاه تاریک است و گه روشن، سرای این جهان
- ۲) یک سو غم دنیا و دگر سو غم عقبی
- ۳) چرا خورم غم این دنیا به این دو روزه اقامت
- ۴) ز نادانی خورد اندوه دنیا مرد دنیایی

۲۸۴- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) حاجت به عرض حاجت و اظهار حال نیست
- ۲) ما بندگان حاجتمندیم و تو کریم
- ۳) جام جهان‌نماست ضمیر منیر دوست
- ۴) عرض حاجات خود ای دل به برش حاجت نیست

۲۸۵- کدام گزینه با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

- «ارباب حاجتیم و زبان سؤال نیست
- ۱) می‌ران ز دیده سیل که در مشرب کریم
 - ۲) دست حاجت چو بری پیش خداوندی بر
 - ۳) بخشش عام چو احسان خداوند کریم
 - ۴) چه حاجت است گشودن دهن به حرف سؤال

ای دل، اگر امینی، امانت نگاه‌دار
صائب نهفته دار گهرهای راز را
نتوان حدیث شوق به عمر دراز کرد
بود بسیار کز افشای آن بینی پشیمانش

کجا کسی که زمانی نگاه دارد راز؟
هیچ‌کس را محرم راز نهان خود مکن
چون غنچه خمش باش که گل‌ها همه گوشند
بپوشان چشم و در آیینۀ زانو تماشا کن

تا بود ملک شیوه او پسرده‌داری بود
اما چه کنم محرم رازم کس نیست
با تو گویم چیست راز زندگی
آنک نیازمودیش راز مگو به پیش او

که آشنا سخن آشنا نگه دارد»
مرغ چمن به خانۀ من هم صفر نیست
گوش نامحرم نباشد جای پیغام سرورش
گر کند بیگانگان را محرم اسرار خویش
در نامه عاشقان قلم محرم نیست

غم مخور چون اهل دنیا از برای این جهان
با این همه غم چون من دلتنگ برآیم
چو بازگشت این منزل خراب ندارم
ز بدبختی کشد پالان محنت، اسب پالانی

آن‌جا که جود اوست مجال سؤال نیست
حاجت همیشه پیش کریمان بود روا
اظهار احتیاج خود آن‌جا چه حاجت است
که علیم است و حکیم است و کریم است و رحیم

در حضرت کریم تمنا چه حاجت است»
باشد قضای حاجت سایل، ادای دین
که کریم است و رحیم است و غفور است و ودود
برنگردد تهی از درگه او دست نیاز
زبان اهل طلب را کریم می‌داند

۲۸۶- همه ابیات بیانگر مفهومی مشترک هستند به جز.....

چو حق بر تو باشد تو بر خلق پاش
که مستظهرند از وجودت وجود
نمی‌زبید مگر در پای پیلان
بر ایشان به هر خشم مفرور چهر

ز شکل سبزه مرا یاد خط یار آید
گلبن از غنچه سیراب بود چون لب یار
باده به رنگ لاله در اطراف لاله‌زار
چون عرق مشکبوی بر رخ گلرنگ یار

گر دل شکست عهد و وفا گو درست باش
گل جدا از شمع چون افتاد بدبو می‌شود
الله الله تو فراموش مکن صحبت ما را
نگاه دار سر رشته تا نگه دارد

نیمی سوی خود می‌کش و نیمی می‌پاش»
تو گر گنج داری ببخش و منه
وز اندازه خورده بیرون بسود
بر او ببخش که بخشیدن گناه، خوش است
کیمیایی است که صد عیب هنر گرداند

۱) جوان‌مرد و خوش‌خوی و بخشنده باش
۲) زهی بحر بخشایش کان جود
۳) سخاوت‌کن که سرهای بخیلان
۴) بخشای بر زبردستان به مهر

۲۸۷- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

۱) ز رنگ لاله مرا روی دلبر آید یاد
۲) چمن از لاله نو رسته بود چون رخ دوست
۳) عاشق به یاد دلبر گل رخ همی‌خورد
۴) بر ورق لاله بین لطف سرشک سحاب

۲۸۸- مفهوم کدام گزینه با سایر گزینه‌ها تفاوت دارد؟

۱) مگسل ز یار و بر سر عهد نخست باش
۲) رونق خوبیت باید، مگسل از روشن‌دلان
۳) پیش ما رسم شکستن نبود عهد وفا را
۴) گرت هواسست که معشوق نگسلد پیمان

۲۸۹- کدام بیت، فاقد مفهوم بیت زیر است؟

«تعلیم ز اژه‌گیر در امر معاش
۱) به‌گیتی ز بخشش بود مرد مه
۲) مدار و بخشش آن چه افزون بود
۳) اگر هزار گنه بینی از سپهر دورنگ
۴) بخل عیبی است که صد فضل بپوشاند و جود

۱۱۹. ۳. املای درست واژه:

حقوق‌گذاری

۱۲۰. ۱. املای درست واژه:

امارت

۱۲۱. ۳. املای درست واژه‌ها: صغیر - عمارت - روضه

نقشه - امارت: فرمانروایی، جمع آن (امارات)

امارت: نشانه، جمع آن (امارات)

عمارَت: بنا - ساختمان - آبادانی

مشال - هر که آمد عمارتی نو ساخت

خانه دل ما را از کرم عمارَت کن

۱۲۲. ۳. غلط‌های املایی و شکل درست آن‌ها:

۱) امارت (فرمانروایی) - عمارت (آباد کردن)

۲) زمین - ضمیم (ضمن، کفیل)

۴) صخره (سنگ بزرگ) - سُخره (مسخره کردن)

۱۲۳. ۴. غلط‌های املایی و شکل درست آن‌ها:

۱) حزیض - حَضِیض

۲) قرامت - غرامت

۳) گذارده شود - گزارده شود

۱۲۴. ۲. غلط املایی و شکل درست آن:

مأمور - معمور (آبادان)

۱۲۵. ۴. ترکیب‌های وصفی: هیچ دینی - هزاربار (۲ مورد)

ترکیب‌های اضافی: وام‌دار تو - باغ بینش - بینش ما - بازوان اندیشه - بازوان

کردار - کردار تو (۶ مورد)

۱۲۶. ۲. وابسته‌ها:

مضاف‌الیه: بزرگی - ات - من - اهرام (۴ مورد)

صفت بیانی: کوچک - خام (۲ مورد)

۱۲۷. ۱. واژه «تعیین» هسته گروه اسمی است؛ زیرا اولین اسم پیش از

نقش‌نمای (-) اضافه است. (ارزش: مضاف‌الیه و وابسته پسین است.)

۱۲۸. ۴. ترکیب‌های وصفی: یک چینه - یک شعله - یک خواب - خواب

لطیف (۴ مورد)

ترکیب‌های اضافی: مردم شهر - موسیقی احساس - احساس تو - صدای پر -

پر مرغان - مرغان اساطیر (۶ مورد)

۱۲۹. ۳. ترکیب‌های وصفی: فصل خوش - فصل معتدل - سکوت سنگین -

سکوت زمستانی - یک درخت (۵ مورد)

ترکیب‌های اضافی: سکوت خود - درخت به - باغچه ما - چیدن شکوفه -

خوردن شکوفه - شکوفه به - سرگرمی‌های من (۷ مورد)

۱۳۰. ۳. بعضی (صفت مبهم) + سروده‌ها (اسم) + (نقش‌نمای -) +

شاعران (اسم) + (نقش‌نمای -) + گذشته (صفت بیانی مفعولی)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) کدام (صفت پرسشی) + پهلوان (اسم) + مبارز (صفت) +

ایران‌زمین (اسم)

۱۰۸. ۴. مفهوم عبارت سؤال: در میان گذاشتن غم و شادی خود با غمخوار /

مفهوم مقابل عبارت سؤال: بیهوده دانستن اظهار غم نزد دوست و غمخوار

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱) از بین رفتن غم و اندوه بدون وجود غمخوار

۲) بیم نداشتن از دشمن با وجود دوست و غمخوار

۳) خوشایند دانستن غم عشق یار

۱۰۹. ۳. خوشایند دانستن ناامیدی

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

دعوت به امیدواری در شرایط ناامیدی

۱۱۰. ۳. پیام عبارت سؤال: نکوهش تظاهر و ریاکاری است و این مفاهیم

در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) تکرار شده است.

مفهوم گزینه (۳): بی‌توجهی به ظاهر و توجه به باطن

۱۱۱. ۱. مفهوم عبارت سؤال: سختی و خوشی‌های جهان ناپایدار است و

نباید به آن‌ها دل بست.

مفهوم گزینه (۱): شاعر می‌گوید که سایه‌ها (پرنده خوش‌بختی) و جغد

(پرنده بدبختی) در نظرش یکسان است و به آن‌ها بی‌توجه است.

۱۱۲. ۲. مفهوم گزینه (۲): دشواری فراهم شدن شرایط خوشی و شادمانی

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: ناپایداری غم و شادی و به طور کلی احوال

روزگار، و توصیه به خوش‌باشی

۱۱۳. ۴. مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴): گذران بودن احوال جهان

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) دل‌گرمی دادن به مخاطب (هر که هست، بدون اشاره به اصل ماجرا در

مثنوی معنوی) و آوردن مژده جان‌بخشی و نشاط‌آفرینی

۲) توصیف غم و درد عشق

۳) بهبود اوضاع و تغییر شرایط نامطلوب به مطلوب

۱۱۴. ۲. معنای درست واژه‌ها:

حَضِیض: جای پست در زمین یا پایین کوه

عزم: قصد و اراده

۱۱۵. ۴. معنای درست واژه‌ها:

فلق: سپیده صبح، فجر / عمارت: آبادانی و بنا کردن / غبطه: رشک بردن، حال

و روز کسی را آرزو داشتن بی‌آن‌که خواهان زوال آن باشیم. / تالاب: آبگیر، برکه

۱۱۶. ۲. فلق: سپیده صبح، فجر / سُخره: مسخره کردن، ریشخند /

حَضِیض: جای پست در زمین یا پایین کوه / عامل: حاکم، والی، کارگر

۱۱۷. ۳. املای درست واژه: غبطت: غبطه، آرزوی بهره‌مندی از چیزی

بدون محروم خواستن صاحب آن

۱۱۸. ۲. املای درست واژه‌ها:

۱) عمارت - امارت

۳) خواسته - خاسته

۴) حذیذ - حَضِیض

- (۲) پنج (صفت شمارشی) + روز (اسم) + — + به‌جامانده (صفت) + [ی] —
 + عمر (اسم) + — + انسان (اسم) + — + بی‌خبر (صفت)
 (۴) همان (صفت اشاره) + جنگجو (اسم) + [ی] — + دلاور (صفت) + —
 + عرصه (اسم) + — + جنگ (اسم) + — + جهانی (صفت)
 در گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) به ترتیب واژه‌های «پهلوان، سروده و جنگجو» صفت جانشین اسم هستند که در جایگاه هسته‌گروه اسمی قرار گرفته‌اند.
- ۱۳۱** **۳** موصوفها در گروه‌های اسمی بیت و نقش آن‌ها:
 چشم در «دو چشم مست»: نهاد / فتنه در «هزار فتنه»: مفعول / گوشه در «به هر گوشه‌ای»: متمم
- ۱۳۲** **۱** صفت‌های پیشین: این (این بیان) - هر (هر نوشته) - این (این گروه) - یک (یک نوع نقد) - همان (همان زمان) (۵ مورد).
 صفت‌های پسین: امروزی - شناخته‌شده - غیرمتعارف - خنده‌دار - اجتماعی - بارز (۶ مورد)
- ۱۳۳** **۲** ترکیب‌های وصفی:
 الف) هر کس / ب) عشق پاک - دامن تر / ج) هر جا - ریگ روان / د) نهال خوش‌ثمر / ه) طفل بازیگوش - دل خودکام
- ۱۳۴** **۴** ترکیب‌های وصفی:
 الف) چه شب
 ب) آن‌گه - آن صورت - صورت خوب
 ج) هیچ‌کس
 د) آن بارگه - عقل کارافزای - جان‌جان‌افشان
- ۱۳۵** **۲** وابسته‌های پسین: کتاب، سبک‌شناسی، تأیید، ادبا، اصلی، آن، عناصر، شعری، بنیادی، شعر، نفسانی، شاعر، اثر، توجه، شعر (۱۵ مورد)
- ۱۳۶** **۱** بررسی گزینه‌ها:
 (۱) چشم بد - آن سلسله - زلف دراز - هر حلقه - عالم دیگر (۵ مورد)
 (۲) آیینة روشن - خط نازسته - آن چهره - چهره انور (۴ مورد)
 (۳) آه گرم - دل پُرخون - لاله احمر (۳ مورد)
 (۴) آن زلف - زلف معنبر (۲ مورد)
- ۱۳۷** **۳** ترکیب‌های وصفی: ادبیات تطبیقی - شاخه‌های مهم - علوم ادبی - علوم معاصر - ملت‌های مختلف - هر ملت - اندیشه‌های ادبی - دیگر ملت‌ها (۸ مورد)
 ترکیب‌های اضافی: شاخه‌های علوم - تأثیرپذیری ادبیات - ادبیات ملت‌ها - ملت‌های جهان - تکامل ادبیات - شکوفایی ادبیات - ادبیات ملت - اندیشه‌های ملت‌ها (۸ مورد)
- ۱۳۸** **۲** ترکیب‌های وصفی: همه‌چیز - همه‌احوال - هیچ‌پیشامدی - پیشامد جالب - هیچ حادثه - حادثه سوء - یک تن - همه دلتنگی‌ها - این عالم (۹ مورد)
- ۱۳۹** **۴** ترکیب‌های وصفی: دید تازه - همه موجودات - دیگر پدیده‌ها - این پدیده‌ها - دید اجتماعی - سروده‌های نمادین - سروده‌های انتقادی - ادب نوین - ادب فارسی - جایگاه ویژه (۱۰ مورد)
- ترکیب‌های اضافی: مطالعه شعر - شعر نیما - دید او - نگاه او - یادآور نگاه - شاعران غرب - دید نیما - سروده‌های او (۸ مورد)
- ۱۴۰** **۲** ترکیب‌های وصفی: این شاعر - برجسته‌ترین چهره - چهره ادبی - قرن نوزدهم - برخی داستان‌ها - زبان فارسی - سال‌های آخر (۷ مورد)
- ۱۴۱** **۳** همان - دوم - هجری - معدود - هنرور - نگارگر - تمثیلی - حماسی - مربوط - ابتدایی - این - مذهبی - فارسی (۱۳ مورد)
- ۱۴۲** **۴** بررسی گزینه‌ها:
 (۱) طرز غزل (مضاف الیه) / یار شیرین‌سخن (صفت) / یار نادره‌گفتار (صفت) / یار من (مضاف الیه) (۴ مورد)
 (۲) سوز دل (مضاف‌الیه) دل ما (مضاف‌الیه) / خسرو دل‌سوخته (صفت) (۳ مورد)
 (۳) قدسی (صفت) بند نقاب (مضاف‌الیه) / ت (مضاف‌الیه) / بهشتی (صفت) (۴ مورد)
 (۴) سحر (مضاف‌الیه) / یار (مضاف‌الیه) / مه (مضاف‌الیه) / عاشق‌کش (صفت) / عیار (صفت) (۵ مورد)
- ۱۴۳** **۳** بررسی گزینه‌ها:
 (۱) باده‌نوشی که در او روی و ریایی نباشد
 متمم نهاد فعل
 (۲) صدای ناله از هر سنگی برخاست
 نهاد متمم فعل
 (۳) گویا که ز روزگار دردی دارد.
 متمم مفعول
 (۴) باران مرگ در آن باغ بارید
 نهاد متمم فعل
- ۱۴۴** **۴** بررسی گزینه‌ها:
 (۱) وصفی: ترک شیرازی - آن ترک - خال هندو (۳ مورد)
 اضافی: دل ما - خالش (۲ مورد)
 (۲) وصفی: این لولیان / لولیان شوخ / لولیان شیرین‌کار / لولیان شهر آشوب (۴ مورد)
 اضافی: خوان یغما (۱ مورد)
 (۳) وصفی: چندین آشنا / آن خال / خال مشکین / رخ رنگین (۴ مورد)
 اضافی: زنجیر زلف / زلف تو / جای آشنا (۳ مورد)
 (۴) وصفی: هزار دل / یک تار / هزار چاره‌گر / چهار سو (۴ مورد)
 اضافی: زلفت (زلف تو) / تار مو / راه چاره‌گر (۳ مورد)
- ۱۴۵** **۲** ترکیب‌های وصفی: هر چیز - همه چیز - دوپاره - هرچه - دیگر سو - مُردنی چنان (چنان مردنی) - غبطه بزرگ - یک تراز (هشت مورد)
- ۱۴۶** **۱** سه فعل از عبارت حذف شده است: آب را [دوست می‌دارم] که ... / شفق، آینه‌دار نجابت [است] / و فلق محرابی [است] که
 (۲) مضاف‌الیه‌ها: تو (احترام تو) - مادر - تو (مادر تو) تو (خون تو) - نجابت - ت (نجابت) - صبح - شهادت (هشت مورد)
 (۴) مضارع اخباری: دوست می‌دارم / ماضی نقلی: قیام کرده‌اند، کرده است، گزارده‌ای

ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم
ای بی‌خبر ز لذت شرب مدام ما

ای کسی که از لذت شرب ← شراب
ما بی‌خبری ← پیوسته

گاهی مفاهیم کنایی نیز می‌توانند ایهام ایجاد کنند.

نخواهیم دامن مهتر ز دست دل رها کردن
مگر روزی که دور از تو اجل گیرد گریبانم

در مصراع دوم دور از تو ← در دوری تو

از تو دور باد ← از تو دور باد

در ایهام شناخت واژه‌هایی که دو معنا دارند بسیار اهمیت دارد.

۱۵۳ بررسی موارد:

الف) شاخی که عطسه داد ← تشخیص / فاخته که الحمد خواند ← تشخیص

ب) سودا آتش است ← تشبیه

ج) تضمین آیه قرآن در مصراع دوم

د) سخن سرد ← حس آمیزی

ه) روزی ایهام ← یک روز

قسمت و نصیب ← قسمت و نصیب

۱۵۴ بررسی گزینه‌ها:

۱) شمع مشرق ← تشبیه

تلمیح به قیامت (دم صور) - آهن سرد کوبیدن ← کنایه از کار بیهوده

۲) دم ← مجازاً سخن / چون بلبلی ← تشبیه

۳) طواف سپهر ← استعاره مکنیه / ماه و مهر ← تناسب

۴) سنگ قناعت و بت طمع ← تشبیه / خلیل بن آزر ← تلمیح به داستان حضرت ابراهیم / قناعت و طمع ← تضاد

۱۵۵ تشبیه: شیرین‌روش (تشبیه روش، یعنی راه رفتن معشوق به روش شیرین) / من به مجنون / شیرین‌منش (تشبیه منش معشوق به منش شیرین) / من به فرهاد (۴ تشبیه)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) تشبیه: رخ به بهشت / قد به طوبی (نام درختی در بهشت) / لقا (در اینجا به معنی چهره) به خورشید (۳ تشبیه)

۲) تشبیه: ابرو به طاق / ابرو به کمان / ابرو به کمند (۳ تشبیه)

۳) تشبیه: معشوق به مهر / من به ذره (۲ تشبیه)

۱۵۶ تأکید بر زدودن صفات بشر (عقل و تدبیر) با سرمست شدن شراب وحدت الهی

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

عجز و ناتوانی انسان (شاعر) از توصیف ممدوح

۱۵۷ توصیف زیبایی معشوق

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

توصیف عظمت شخصیت و جایگاه والای ممدوح

۱۴۷ بررسی گزینه‌ها:

۱) پرسش و جواب - تلخ و شیرین - زیر و بالا (۳ مورد)

۲) درد و درمان - زخم و مرهم (۲ مورد)

۳) وصل و جدایی - شکر و زهر (۲ مورد)

۴) مرگ و هستی (۱ مورد)

۱۴۸ تشبیه: گل‌بوسه زخم‌ها / تن به دشت شقایق / باده مهر / تازیانه

هشتاد زخم / استعاره و تشخیص: به نماز ایستادن شب

تلمیح: اشاره به جنگ احد و زخمی شدن حضرت علی (ع) / تضاد: آرامش و خروش / شب و سحر / سپیده و سیاهی

مراعات نظیر: گل، شقایق، دشت / باده، مست، تازیانه و حد / جناس: خشم و چشم

۱۴۹ ۱) ایهام: وزن ۱) آهنگ شعری ۲) ارزش و اعتبار / بی‌وزنی

۱) بدون آهنگ بودن ۲) بی‌ارزش و اعتبار بودن

کنایه: روسیاه ماندن ← خجلت‌زدگی و شرمندگی

تضاد: سپید و سیاه، وزن و بی‌وزنی

تشخیص: روسیاه شدن شعر

۱۵۰ در بیت «تضمین» به کار نرفته است. / مجاز: جام (شراب)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) استعاره: بتان (زیارویان) / متناقض‌نما: در خرابی بودن تعمیر

۲) نغمه حروف: تکرار واج «خ» / تلمیح: اشاره دارد به داستان فرهاد، عاشق شیرین

۴) کنایه: سیرچشمی (بی‌نیازی)، تازه‌رو بودن (طراوت و شادابی) / تشبیه: مزرع امید من (اضافه تشبیهی)

۱۵۱ شعر گزینۀ (۳) در قالب آزاد و نیمایی سروده شده است که دارای

وزن عروضی و قافیه است، اما اشعار سایر گزینه‌ها در قالب سپید سروده شدند که وزن و قافیه ندارند و دارای آهنگ و تخیل هستند.

۱۵۲ بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) نگران ← مضطرب

در حال نگرستن ← نگران

۲) بازی کند ← بازی کردن

ادای باز (پرنده شکاری) را درآوردن ← ادای باز

۴) روان ← روح

جاری - رایج ← جاری

در گزینۀ (۳) «عهد» فقط به معنای «پیمان» است و به معنای روزگار در بیت کاربرد ندارد.

نیم‌نگاه

ایهام: به‌کار بردن یک واژه به گونه‌ای که هر دو معنا در بیت یا عبارت کاربرد داشته باشد.

مدام ← پیوسته

شراب ← شراب

۱۵۸ ۳ بیان ستم و بی‌وفایی معشوق

مفهوم مشترک عبارت صورت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ستایش دادگری و نکوهش ظلم و ستم

۱۵۹ ۲ تحمل سختی‌های راه عشق و خوشایند دانستن جور معشوق

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

توصیه به عدالت‌گستری و دادگری و تحسین عدالت ممدوح

۱۶۰ ۳ ترجیح مرگ بر زندگی تلخ و مشقت‌بار

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

اجتناب‌ناپذیری از مرگ و حتمی بودن آن

۱۶۱ ۲ بیان بدفرجامی ظالمان

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

تأکید بر مفهوم ظلم‌ستیزی و عدالت‌گستری

۱۶۲ ۴ مفهوم بیت اول: بیان بی‌نیازی عارفان و درویشان / مفهوم بیت

دوم: توصیه به فقیرنوازی در اوج قدرت

مفاهیم مشترک ابیات سایر گزینه‌ها:

(۱) وصف‌ناپذیری عظمت (جمال و کمال) ممدوح

(۲) بیان شکوه و جلال ممدوح

(۳) درهم‌آمیختگی صولت و رحمت ممدوح

۱۶۳ ۳ مفهوم مشترک ابیات گزینه (۳):

درماندگی و عجز شاعر از توصیف کمال و جمال ممدوح

مفهوم سایر ابیات:

ب) بی‌ظنیر بودن زیبایی و ظرافت یار

د) تقابل عقل و عشق و توصیف‌ناپذیری عشق

و) غیرقابل توصیف بودن عشق معشوق و شیدایی عاشق

۱۶۴ ۱ مفهوم بیت گزینه (۱): ستایش دانش و دانایی ممدوح

مفهوم مشترک ابیات (۲)، (۳) و (۴): بیان عظمت و شکوه ممدوح و ناتوانی

و سرگردانی عقل از توصیف او

۱۶۵ ۲ مفهوم مشترک عبارت شعری صورت سؤال و بیت گزینه (۲): بیان

عظمت و شکوه شخصیت ممدوح و اظهار شگفتی در برابر عظمت او

مفاهیم ابیات سایر گزینه‌ها:

(۱) ارزشمندی وجود ممدوح و حمایت او از دانش و خرد و دانایی

(۳) اعتبار یافتن شاعر به دلیل ستایش پادشاه (ممدوح)

(۴) حیرانی عقل در برابر عظمت عشق

۱۶۶ ۴ مفهوم بیت گزینه (۴): اعتقاد به یگانگی خداوند و بیان توحید

مفهوم مشترک سایر ابیات: ستایش شهادت در راه حق و ترجیح آن بر زندگی دنیوی

۱۶۷ ۳ مفهوم بیت صورت سؤال و ابیات گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴): نکوهش

بی‌ثمری

مفهوم بیت گزینه (۳): ستایش بی‌ثمری و مثبت دانستن بی‌حاصلی

۱۶۸ ۲ مفهوم بیت گزینه (۲): بیان پیامدهای منفی راستی و صداقت

مفهوم مشترک ابیات مرتبط:

ستایش راستی و توصیه به صداقت

۱۶۹ ۱ مفهوم بیت گزینه (۱): غفلت مانع گذر عمر نمی‌شود (بیان گذر

سریع عمر آدمی)

مفهوم مشترک ابیات مرتبط:

نکوهش غفلت آدمی و بهره نبردن او از لحظات عمر

۱۷۰ ۲ ستایش بی‌ثمری

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

نکوهش بی‌ثمری

۱۷۱ ۳ شاعر می‌گوید بید که نماد بی‌ثمری است، باشنیدن سخن بی‌حاصلی

دل من، احساس شرمساری می‌کند. (توصیف بی‌حاصلی و نکوهش آن) /

مفهوم بیت صورت سؤال: شرمندگی از بی‌ثمری، مفهوم مقابل آن: ستایش

بی‌ثمری و فواید آن

۱۷۲ ۴ ثمره رنج و سختی، شیرینی و خوشی است.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

شرمساری از بی‌ثمری و بی‌حاصلی

۱۷۳ ۳ مفهوم بیت «الف»: نکوهش بی‌ثمری / بیان معایب بی‌ثمری

مفهوم بیت «د»: ستایش بی‌ثمری / بیان فواید بی‌ثمری

مفهوم سایر ابیات:

ب) ارزشمند دانستن بی‌حاصلی

ج) زیان دیدن شاعر به دلیل برخورداری از راستی و صداقت

ه) شکایت از بی‌فایده بودن مردم و کج‌رفتاری‌های آنان

۱۷۴ ۱ معنای درست واژه:

ماسوا: مخفف ماسوی الله؛ آن چه غیر خداست، همه مخلوقات

۱۷۵ ۲ معنای درست واژه‌ها:

بقا: پایداری / خذلان: درماندگی، بی‌بهرگی از کمک و باری

۱۷۶ ۳ واژه «داد» در بیت گزینه (۳) معنی «بخشش و کرم» و در ابیات

سایر گزینه‌ها معنی «عدل و انصاف و دادگری» دارد.

۱۷۷ ۱ واژه «اختر» در بیت گزینه (۱) معنی «پرچم، علم و بیرق و

درفش» و در سایر ابیات معنای «ستاره و بخت و اقبال» دارد.

۱۷۸ ۴ واژه «بوم» در بیت گزینه (۴) معنای «سرزمین، شهر و بلاد» و در

سایر گزینه‌ها، به معنای «جغد، پرنده‌ای که به نحس بودن شهرت دارد.» است.

۱۷۹ ۲ جغد: بوم (بیت ج) / انصاف: داد (بیت ه) / بخت: اختر (بیت ب)

بررسی سایر ابیات:

الف) داد: بخشش

د) اختر: پرچم، رایت

و) بوم: سرزمین

۱۸۰ ۱ املاي درست واژه:

تبع ← ← ← طبع

۱۹۲ ۲ ترکیب اضافی: مست تماشا (یک مورد) / ترکیب وصفی: چشم بد،

آن چشم، چشم میگون، هر گردش (چهار مورد)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) ترکیب اضافی: سرمهٔ بینش (یک مورد) / ترکیب وصفی: این خاکدان (یک مورد)

۳) ترکیب اضافی: طالب سرو، آب حیوان، نفس سوختگان (سه مورد) /

ترکیب وصفی: همه‌کس، آن سرو، سرو روان، این‌جا، این‌جا (پنج مورد)

۴) ترکیب اضافی: خواب غفلت، غفلتم، جای خود (سه مورد) / ترکیب وصفی:

گریهٔ مستانه، این سنگ (دو مورد)

۱۹۳ ۳ مفعول: ناله‌ام، جملهٔ «منال سعدیا»، آینهٔ جمال من (سه مورد) /

ترکیب اضافی: ناله‌ام، آه تو، آینهٔ جمال، جمال من (چهار مورد)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) مفعول: کمان، سپر (دو مورد) / ترکیب اضافی: سهم بدخواه، نیزهٔ خصم (دو مورد)

۲) مفعول: یک گلستان گل، یک گلدان (دو مورد) / ترکیب اضافی: ندارد

۴) مفعول: سر، غبار (دو مورد) / ترکیب اضافی: سر سیلاب، سیلاب نیستی،

وجود من، خاکدان هستی (چهار مورد)

۱۹۴ ۱ جملهٔ اول: باشد (مضارع التزامی) / جملهٔ سوم: جلب نمی‌کند

(مضارع اخباری) / جملهٔ چهارم: جلب نظر کند (مضارع التزامی) / جملهٔ

ششم: گیرد (مضارع التزامی) / جملهٔ هفتم: می‌جوید (مضارع اخباری)

۱۹۵ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) مکاتیب ^{مفرد} مکتوب (۲) حکما ^{مفرد} حکیم (۳) اسرار ^{مفرد} سر

۱۹۶ ۴ گنج را در این قلعه قرار داد (کرد).

مفعول

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) خورشید بندهٔ تو شده است / تابنده شده است

م. الیه مسند

۲) باری دگر / در دیدهٔ من از هجر خاری دگر وجود دارد.

دگر نهاد

۳) گرد دلیر آن زمان به پیر گفت که بخت جوان باد و رای تو پیر (باد)

مسند

۱۹۷ ۳ به تو بقا می‌بخشد

متمم

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) در چشم و دل تو ...

مضاف‌الیه

۲) یاری که به بندگی تو اقرار دهد ...

مضاف‌الیه

۴) اگر سر من می‌رود ...

مضاف‌الیه

۱۹۸ ۲ در بیت جناس همسان به کار نرفته است و پیشوند «باز» در افعال

«بازآی و بازآید» در یک معنا تکرار شده است. / استعاره: مخاطب قرار گرفتن

عشق (تشخیص)

۱۸۱ ۱ املاي درست واژه‌ها:

الم کردن ^{مفرد} علم کردن

صیاف ^{مفرد} سیف

آمل ^{مفرد} عامل

۱۸۲ ۳ املاي درست واژه‌ها:

ب) مخزول ^{مفرد} مخذول (د) تباع ^{مفرد} طباع (جمع طبع)

ج) قرامت ^{مفرد} گرامت (ه) صیاف ^{مفرد} سیاف

۱۸۳ ۳ فراغ: (آسایش) ^{مفرد} فراق: (دوری)

۱۸۴ ۲ گزاردن: بیان کردن

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) گزارد مال: پرداخت مال

۳) گذارد گام: قرار دادن قدم

۴) حق گزاردن: ادا کردن حق

۱۸۵ ۴ ترکیب‌های اضافی:

۱) غزش شیران - عوعو سگان - سگان شما (سه مورد)

۲) طالع خوبستن - تأثیر اختران - اختران شما (سه مورد)

۳) گرگی شبان - شبان شما (دو مورد)

۴) آب اجل - گلوگیر خاص - گلوگیر عام - حلق شما - دهان شما (پنج مورد)

۱۸۶ ۳ شمع: مفعول / چراغدان: متمم

۲) در جمله‌های سه جزئی گذرا به مسند، افعال اسنادی «است، بود،

شد، گشت ...» به کار می‌روند؛

بررسی جمله‌ها:

ب) میر مجلس شد (گشت)

ج) گل عزیز است

د) فعل «شد» در بیت «الف و د» در معنای «رفت» آمده است و فعل

اسنادی محسوب نمی‌شود.

۱۸۸ ۱ فعل «گرفت» به عنوان ردیف در بیت گزینهٔ (۱) به معنای «روشن

شدن و شعله‌ور گردیدن» اما در سایر گزینه‌ها در معنای اصلی خود؛ یعنی

«اخذ کردن» به کار رفته است.

۱۸۹ ۲ فعل «شد» در این گزینه به معنای «از بین رفتن» و در سایر

گزینه‌ها در معنای «شدن» و فعل اسنادی است.

۱۹۰ ۱ در بیت‌های «ج، د، و» «مسند» به کار رفته است. «مسند» در

جمله‌های مورد نظر: ج: پوست بر تن پردهٔ بیگانگی است.

ه) سواد مردمان روشن شود. / سرمه گویاتر کند چشم سخنگوی تو را

ز) آماده باش.

ت) فعل «بود» در بیت «ح» اسنادی نیست.

۱۹۱ ۴ ترکیب‌های اضافی:

قصهٔ بی‌سر و سامانی - بی‌سر و سامانی من - برگ درخت - تنهایی من -

زیبایی تو (پنج مورد)

مسندها: تهیدست - خوشبخت - غمگین (سه مورد)

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) تشبیه: تیر مژگان / استعاره: لعل نوشین ❖❖ لب
 (۳) تشبیه: من شمع لرزان هستم. / کنایه: جان بر سر دست داشتن ❖❖
 آماده جان فشانی
 (۴) استعاره: ماه کنعان ❖❖ یوسف / کنایه: جان کندن ❖❖ سختی کشیدن
 ۱۹۹ ❖۴ تشبیه: طوفان بلا و سیل غم / استعاره: این خانه ❖❖ دل
 در بیت گزینه (۱) استعاره (تشخیص) و در گزینه (۳) تشبیه به کار رفته است.
 ۲۰۰ ❖۳ در بیت، هیچ کدام از آرایه‌های «ایهام و حس آمیزی» به کار
 نرفته است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) تشبیه: کوه فضل / تضاد: گریان و خندان
 (۲) استعاره: گریان بودن ابر و خندان بودن برق / جناس: «شکوه، کوه» و
 «وجود، جود»
 (۴) تشخیص: گریان بودن ابر، خندان بودن برق (صاعقه) / مراعات نظیر: ابر
 و برق و سحاب

۲۰۱ ❖۲ بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) استعاره: آشفته و جان بر کف بودن آب، سرو ❖❖ معشوق
 مراعات نظیر: کف و پا و قد و قامت، سرو و آب
 (۳) تشبیه: چو آب / تشخیص: آشفته و جان بر کف بودن آب
 (۴) کنایه: جان بر کف بودن ❖❖ آماده جان فشانی بودن / جناس: دوان و روان
 ۲۰۲ ❖۳ ج مجاز: سر دوم ❖❖ نیت، قصد و اندیشه / زبان ❖❖ سخن
 و کلام

الف) ایهام: مدام ❶ همیشه ❷ شراب

ه) کنایه: پای فرورفتن به گل ❖❖ گرفتار شدن

ب) تشبیه: نقد خرد و ملک عشق (اضافه تشبیهی)

د) تلمیح: اشاره به چشمه آب حیات (داستان حضرت خضر)

- ۲۰۳ ❖۴ استعاره: ای غنچه غافل (تشخیص) / تشخیص: جان بخشیدن به
 غنچه و باد صبا / تشبیه: چون گل / حس آمیزی: گریه تلخ

- ۲۰۴ ❖۱ استعاره: کام صدف، لعل شکر بار ❖❖ لب / مجاز: حرف ❖❖
 سخن / کنایه: تلخ کردن کام ❖❖ ناخوشایند بودن اوضاع، رنجاندن /
 تشخیص: کام صدف (اضافه استعاری)

- ۲۰۵ ❖۲ ب) کنایه: چو خاکت می خورد ❖❖ خواهی مرد، نابود خواهی شد
 ج) تشبیه: سخن یار به شکر و قامت او به سرو تشبیه شده است.

الف) ایهام: روزی ❶ یک روز ❷ رزق و روزی

ه) استعاره: دست عقل (اضافه استعاری و تشخیص)

د) جناس: ملول و ملال / ملال و ملام / ملام و ملامت

- ۲۰۶ ❖۱ در بیت آرایه تشبیه به کار رفته است؛ آب اجل (اضافه تشبیهی)

استعاره‌های موجود در ابیات سایر گزینه‌ها:

- (۲) باد ❖❖ اجل / شمع ❖❖ وجود آدمی (حیات) / چراغدان ❖❖ عمر و زندگی
 (۳) کاروان سرای ❖❖ دنیا / کاروان ❖❖ انسان‌ها
 (۴) رمه ❖❖ مردم / شبان و چوپان گرگ طبع ❖❖ حاکم ستمگر

۲۰۷ ❖۳ بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) بوم محنت (محنت به بوم تشبیه شده)
 (۲) تیر جور (جور و ستم، به تیر تشبیه شده) / تحمل به سپر
 (۴) آب اجل (اجل به آب تشبیه شده)
 ۲۰۸ ❖۱ واژه «چو» در بیت گزینه (۳) به معنی «هنگامی که» و حرف ربط
 است و ادات تشبیه به شمار نمی‌آید و تشبیه نمی‌سازد.

۲۰۸ ❖۱ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) گلبرگ ❖❖ چهره یار

(۳) کاروان سرا ❖❖ دنیا

(۴) رمه ❖❖ مردم و رعیت

۲۰۹ ❖۳ بررسی گزینه‌ها:

- (۱) تخم ارادت ❖❖ تشبیه / طوبی ❖❖ نام درختی در بهشت / امروز
 ❖❖ مجازاً دنیا
 (۲) سرو ❖❖ استعاره / خون ریخت ❖❖ کنایه / های‌های جویبار ❖❖
 اضافه استعاری

(۳) داستان یعقوب و گریستن او بر حضرت یوسف (تلمیح) / جناس ندارد.

(۴) خانه زندان است ❖❖ تشبیه

ایهام: گلستان ❖❖ کتاب گلستان
 ❖❖ باغ

۲۱۰ ❖۳ ماه ❖❖ استعاره از یار

استعاره: واژه‌ای است که در معنای اصلی خود به کار نمی‌رود و در ذهن رابطه
 تشبیه ایجاد می‌کند:از چشمان مادر بزرگ مروارید می‌ریخت.
 استعاره

۲۱۰ ❖۳

انواع استعاره:

(۱) مصرحه: حذف مشبه - آوردن مشبه به

مثال: من آنم که در پای خوکان نریزم

قدرتمندان مانند خوکان هستند
 مشبه مشبه به

مر این قیمتی در لفظ دری را

(۲) مکنیه: حذف مشبه به - آوردن مشبه - آوردن نشانه مشبه به

مثال: ترس و وحشت چنگال خود را بر او افکنده بود:

ترس و وحشت مانند حیوان درنده‌ای چنگال خود را ...
 مشبه مشبه به نشانه مشبه به

تشخیص «personification»: نسبت دادن اعمال و رفتار انسانی به سایر پدیده‌ها

مثال: گل بخندید و باغ شد پدرام ❖❖ گل مانند انسان بخندید
 تشخیص دارد مشبه مشبه به نشانه مشبه به

بنابراین همه تشخیص‌ها استعاره‌اند اما همه استعاره‌ها تشخیص نیستند.

اگر چیزی غیر از انسان ماندا واقع شود، تشخیص است.

مثال: ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟

۲۱۵ ۳ مفهوم مشترک بیت صورت سؤال، و گزینه (۳): اشاره به این‌که حضرت علی (ع) مایه رحمت و سعادت انسان‌هاست.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- (۱) توصیف زیبایی چهره معشوق
 (۲) بی‌نظیر بودن حضرت علی (ع) در ولایت
 (۴) ستایش و وصف امام عصر (عج)
 ۲۱۶ ۱ اعتقاد شاعر به این‌که مرگ تنها چاره و علاج زندگی ناگوار است.

مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و سایر گزینه‌ها:

حتمی بودن مرگ برای همه افراد
 ۲۱۷ ۲ تأکید شاعر بر خردورزی و ترک هوای نفس

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

- فناپذیری و زوال قدرت و شوکت دنیوی
 ۲۱۸ ۳ رنج‌آور بودن زندگی و بی‌بهره بودن انسان‌ها
 مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

ناپایداری و زوال‌پذیری قدرت و فرمانروایی دنیا
 ۲۱۹ ۴ بی‌ثمر بودن تلاش و کوشش بدون عنایت و کشف از جانب خدا

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

تأکید بر مفهوم ناپایداری قدرت حاکمان (عادل و ظالم)
 ۲۲۰ ۲ اشاره به ستمگری حاکمان و منصوبان آن‌ها

مفهوم بیت صورت سؤال: تأکید بر ظلم و ستم پادشاهان و گماشتگان و عاملان آن‌ها
 مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

بیان دادگری و عدالت‌پیشگی حاکمان
 ۲۲۱ ۳ اعتقاد شاعر به این‌که «سعادت‌مندی که نسبت به زیردستان لطف و عنایت نداشته باشد، نابودی خود را رقم زده است.»

مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ناپایداری بخت و اقبال و گذرا بودن سعادت دنیوی
 ۲۲۲ ۳ دعوت مخاطب به ظلم‌ستیزی

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

ناپایداری ظلم و ستم
 ۲۲۳ ۴ بیان مقام والای عارفان و انسان‌های وارسته و توصیه به کسب

مقام فقر عرفانی

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

توصیه به فقیرنوازی و توجه به مستمندان
 ۲۲۴ ۱ مفهوم مصراع سؤال: آرزوی وصال داشتن است که مقابل این

مفهوم در گزینه (۱) آمده است: عاشق به آرزوی خود رسیده است.
 مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) اکنون که لب نوشین تو چشمه قند است، سخن بگوی و ما را که چون طوطی هستیم از آن شکر بی‌بهره نساز.

(۳) تا زمانی که شکر لعل نوشین تو به خروار است، در دلم عشق تو بسیار است.

(۴) لب لعل تو قیمت شکر را شکست و خوش‌بویی زلف تو موجب بی‌رونقی عنبر است.

نقد اگر چیزی غیر از انسان منادا واقع شود و مقصود گوینده انسان باشد فقط استعاره است و تشخیص ندارد.

تا تو را جای شد ای سرو روان در دل من
 استعاره از یار

اضافه استعاری: نشانه مشببه به + - مشببه

انواع اضافه استعاری: ۱ تشخیص خنده گل (تشخیص + استعاره)
 ۲ غیرتشخیص چنگال وحشت (استعاره)

ویژگی‌های اضافه استعاری الف) موصوف و صفت نیست ب) تخیلی است ج) میان مضاف‌الیه و مضاف رابطه تشبیه برقرار نیست: دست روزگار
 استعاره‌های پرتکرار در شعر و نثر فارسی:

لعل / لب / بازار / دنیا / حقه لعل / دهان / کمند / زلف / سرو / قامت‌یار، یار / پسته / دهان / گوهر / اشک / سخن / سنبل / زلف / ماه / چهره یار، یار / بادام / چشم / نرگس / چشم / گل / چهره یار، یار / زاله / اشک / چرخ / آسمان

نقد این بدان معنا نیست که هر کجا این واژه‌ها بیایند، استعاره است؛ بلکه باید شرایط استعاره را حتماً داشته باشند.

۲۱۱ ۳ بررسی موارد:

- الف) رنگین خیالی / حس‌آمیزی
 ب) زمان - زبان / جناس
 ج) چرخ / استعاره از آسمان و روزگار
 د) سر / مجاز از مو / در مصراع دوم / سر مجاز از کل وجود شاعر
 ه) گریه / همچون یار است.

۲۱۲ ۱ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۱): ناپایداری قدرت دنیوی
 بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۲) ناکامی همیشگی
 (۳) ناپایداری دنیا و ارزشمندی بقا
 (۴) ضرورت شکیبایی در عشق

۲۱۳ ۱ مفهوم گزینه (۱): پاک‌بازی عاشق

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها: توأم بودن رنج و آسایش در دنیا

۲۱۴ ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴): ناپایداری دنیا

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) ستایش درگذشتگان و ناسپاسی نسبت به زندگان
 (۲) ناپایداری حکومت حاکمان عادل و ستم‌کار
 (۳) لذت‌بخش بودن جفای معشوق

خطای علمی سؤال: روشن است و بسیار هم روشن است که مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌های (۲) و (۴) «ناپایداری دنیا و قدرت دنیوی» است؛ تنها با توجه به ظاهر بینی طراح و شناخت خطاهای ایشان در درک مفهوم ابیات، گزینه (۴) را به‌عنوان پاسخ مورد نظر طراح معرفی کردیم، در حالی که برخی نکات دقیق و پیچیده در شناخت ذهن پراشتباه طراح، ممکن است گاهی برای مخاطب دانش‌آموزی قابل تشریح نباشد.

۲۲۵ ۱ مفهوم آیه سؤال و ابیات مرتبط: حتمی بودن مرگ

مفهوم گزینه (۱): روزی که انسان می‌میرد عقل از این عمل متحیر خواهد شد.

۲۲۶ ۲ مفهوم بیت سؤال: ناپایداری دنیا

مفهوم گزینه‌ها:

(۱) این دنیا چون کاروان سراسر است و ما در آن مهمان هستیم (ناپایداری دنیا)

(۲) تا زمانی که زنده‌ام در غم عشق تو جامه‌ام را می‌درم و پس از مرگ نوبت

کفن است که آن را بدرم (وفاداری پس از مرگ)

(۳) عارفان بسیاری از این عالم رفتند ما نیز خواهیم رفت (ناپایداری دنیا)

(۴) در این دنیا ما مهمان هستیم و دیر یا زود باید برویم. (ناپایداری دنیا)

۲۲۷ ۲ مفهوم بیت سؤال: تحمل سختی به امید رسیدن به ایام خوشی

مفهوم گزینه‌ها:

(۱) چون که نمی‌توان معشوق را فراموش کرد بنابراین درمان آن تحمل کردن

و تسلیم شدن است.

(۲) پس از تحمل سختی امید وصل دارم؛ هم‌چنان که صبح از شب و پادزهر

هم از مار ایجاد می‌شود.

(۳) از آن درختی که همواره بهره‌مند می‌شوی، اکنون خار آن را هم تحمل کن.

(۴) سپر صبر تحمل تیر جدایی را ندارد و بهتر است که با زیبارویان جنگ نکنی.

۲۲۸ ۳ بیان عظمت شخصیت حضرت علی (ع) که کسی جز خداوند، قادر

به شناخت او نیست.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: امام علی (ع) واسطه شناخت خداوند است.

۲۲۹ ۲ ستایش ممدوح و بیان حکمرانی او بر عالم

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: اشاره به کرم و بخشش حضرت علی (ع) که در

هنگام رکوع انگشترش را به فردی نیازمند بخشید.

۲۳۰ ۳ وفاداری عاشق که به چیز یا کس دیگری جز معشوق، نمی‌اندیشد.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: بیان انتظار عاشق برای دریافت پیامی از جانب

معشوق

۲۳۱ ۳ وصف ناپذیری دل و باطن آدمی

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: بیان عظمت ممدوح و معشوق و ناتوانی شاعر

از توصیف شخصیت او

۲۳۲ ۱ مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینه (۱): بیان وفاداری

ممدوح و پایبندی او به عهد و پیمان

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) بیان بی‌وفایی یاران امام

(۳) بیان سعادت‌مندی ممدوح و سازگاری تقدیر با او

(۴) بیان جانبازی عاشقان و آمادگی آن‌ها برای جان‌فشانی

۲۳۳ ۳ معنای درست واژه‌ها:

حَقَّة: جعبه، صندوق، محفظه کوچک / صبا: باد بهاری، بادی که از طرف شمال شرقی

وزد. / محض: مجرد بی‌آلایش، هر چیز خالص، صاف / حضرت: آستانه، پیشگاه، درگاه

۲۳۴ ۲ حدیث: ماجرا، روایت / سودا: خرید و فروش، خیال، اندیشه،

هوس، عشق / معاش: زندگی، زیست، زندگانی کردن / زینهار: مهلت، امان،

برحذر باش

۲۳۵ ۳ معامله و دادوستد

بررسی سایر گزینه‌ها:

خیال و اندیشه

۲۳۶ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) ترجیه ← ترجیح (۲) صخره ← صخره (۳) دحر ← دهر

۲۳۷ ۲ املاي درست واژه‌ها: مذلت - عار - طبع

۲۳۸ ۲ معاش: زندگی، زیست، زندگانی کردن

صبا: بادی که از طرف شمال شرقی وزد، باد بهاری

حدیث: ماجرا، روایت، سخن

سودا: اندیشه، هوس، عشق

۲۳۹ ۳ املاي درست واژه‌ها:

(۱) متاع ← مطاع (۲) غالب ← قالب (۴) اصرار ← اسرار

۲۴۰ ۲ تعداد جمله‌های بیت سؤال: چو گفتمش / دلم را نگاه دار / چه

گفت / ز دست بنده چه خیزد / خدا نگه دارد (۵ مورد)

تعداد جمله‌های گزینه (۲): ای دوست / ز حافظ قرار و خواب طمع مدار / قرار

چیست / صبوری کدام [است] / خواب کجا [ست] (۵ مورد)

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) گفتمش / مهر فروغی به تو روزافزون است / گفت / من هم به خلافتش دل

پرکین دارم (۴ مورد)

(۳) هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت / آری / غم نداشت / غم بیش و کم

نداشت (۴ مورد)

(۴) جانان من / برخیز / بانگ چاووش بشنو / آنک / امام ما علم بر دوش بگرفته

[است] (۵ مورد)

خطای علمی سؤال: در گزینه (۴) واژه «آنک» شبه جمله است و به تنهایی

یک جمله محسوب می‌شود. بی‌اطلاعی طراح سؤال از معنی و کاربرد این

واژه و وضعیت دستوری آن، باعث طراحی چنین سؤال نادرستی شده است.

۲۴۱ ۴ ضمیر پیوسته «-م» در «بازم» وابسته مضاف‌الیه است: باز

نقسم فرو رود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) ضمیر متصل (پیوسته) «-م» در «هرگز» وابسته واژه «سر» (عشق تو

هرگز از سرم = سر من نرود). (سر: متمم)

(۲) ضمیر پیوسته «-ش» در «خونش» وابسته واژه «خون» است. (اجل چون

به خون او دست برآورد). (خون: متمم)

(۳) ضمیر پیوسته «-ت» در «گرت» وابسته «بوم» (اگر بیخ اخلاص در بومت =

بوم تو نیست). (بوم: متمم)

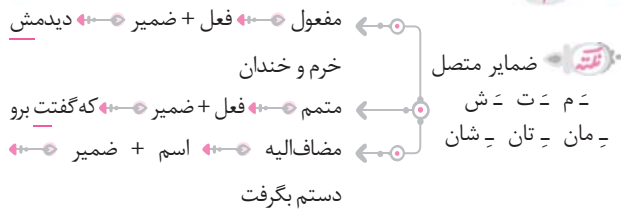
۲۴۲ ۲ بازگردانی مصراع دوم: که طاق ابروی یار من مهندسش شد.

(مهندس: مسند)

۲۴۳ ۲ ضمیر «ت» در «هنوزت» وابسته «دست خواهش» است (هنوز

اجل دست خواهشت را نیست). (دست: مفعول)

تمرینگاه



اگر پس از مرتب‌کردن اجزا، ضمایر متصل بر طبق الگوهای فوق در جای اصلی خود نیاید، جابه‌جایی ضمیر، جهش ضمیر یا «پرش ضمیر» می‌گویند.

۱) بعد چندی که گشودش چشم چشمش را گشود
 مضافیه

۲) بس که خونش رفته بود از تن خون از تنش رفته بود

۳) زمانه به دست تو دادم کلید زمانه کلید من را به دست تو داد.

۴) جمله بعد از «گفتم» مفعول است.

۲۵۲) ضمیر پیوسته «ت» در ابیات گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) «متمم» و در گزینه (۴) «مفعول» است.

بررسی گزینه‌ها:

۱) می بده تا به تو از سر قضا آگهی دهم ...

۲) به تو چه بگویم که ... / سروش عالم غیب چه مژده‌ها به تو داده است.

۳) ... ما ز غیب این دستگاه را به تو دادیم

۴) ... بار دگر تو را گرفتیم ...

۲۵۳) ابیات «الف، ز» دارای قافیه و ردیف هستند.

۲۵۴) در این بیت واژه «مهر» تنها به معنای «عشق و محبت» به کار رفته است و ایهام ندارد، اما در سایر گزینه‌ها واژه «مهر» در دو معنای

۱) خورشید ۲) عشق و محبت به کار رفته است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) بازی: ۱) بازی و شادی ۲) همانند باز (پرنده شکاری)

۳) عهد در مصراع دوم: ۱) پیمان ۲) روزگار

۴) نخوانی: ۱) مطالعه نمی‌کنی ۲) فرانمی‌خوانی (دعوت نمی‌کنی)

بررسی آرایه‌های بیت صورت سؤال:

کنایه: کاه شدن کوه (ضعیف و ناتوان شدن) / تشبیه: چو ماه / تضاد: کاه و کوه /

استعاره و تشخیص: تب ماه / ایهام: تاب ۱) رنج و اضطراب ۲) حرارت و گرمی /

حسن تعلیل: شاعر دلیل کاسته شدن (هلالی شدن ماه) را تاب مهر معشوق (رنج عشق

معشوق) دانسته است. / ایهام تناسب: مهر ۱) عشق و محبت (معنای موردنظر)

۲) خورشید (با ماه تناسب دارد) / ماهی ۱) یک ماه (معنای موردنظر شاعر)

۲) قمر که با مهر (خورشید) تناسب دارد. / مراعات نظیر: ماه و مهر

۲۵۷) تشبیه: مرگان به خار تشبیه شده است. / ایهام تناسب: سودا

۱) عشق، خیال (معنای موردنظر شاعر) ۲) دادوستد (با بازار تناسب

دارد). / کنایه: خار چشم بودن (مایه زحمت و ناراحتی بودن) / تشخیص:

چشم گلستان / سودا داشتن گل

۲۴۴) بیت «ب»: چو پیر سالک عشق، تو را به می‌حواله کند ... (بیت = مفعول) تو: مفعول)

بیت «د»: پیش از آن که اجل تو را در خواب کند (کت = که تو را)

۲۴۵) ضمیر پیوسته «م» در «عفوم» وابسته واژه «ناامید» است؛ خدایا، ز عفو ناامیدم مکن (مرا ناامید مکن).

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) خدایا به فضل توام دست گیر خدایا به فضل، تو دستم را بگیر.

۳) چو یعقوبم ار دیده گردد سپید اگر دیده‌ام چو یعقوب سپید گردد.

۴) بدان زهره دستت زدم در رکاب با آن زهره، دست در رکابت زدم.

۲۴۶) ضمیر پیوسته «ش» در هر دو مصراع این بیت نقش مضافیه به کار رفته است؛ (چو پیلش فرو رفت گردن) گردنش (گردن او) چو فیل به تن فرو رفت. تا بندش نمی‌چرخید، سرش نمی‌گشت.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) ضمیر «ش» به ترتیب در نقش‌های «مضافیه» و «متمم» به کار رفته است؛ رقیبان از دردش (درد او) خبر یافتند و دگر باره به او گفتند: اینجا مگرد.

۲) ضمیر «ش» در مصراع اول مضافیه و ضمیر «ت» در مصراع دوم متمم است؛ غلامی سر و دست و پای او را شکست که آیا به تو نگفتم که به اینجا نیایی؟

۴) ضمیر «ش» در مصراع اول «مفعول» و در مصراع دوم «مضافیه» است؛ او را به عشق کوهکن گرفتار دید و برای آزادی‌اش (آزادی او) دل را بیدار ساخت.

۲۴۷) واژه «دیدار» قافیه و مفعول است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) طلبکار: مضافیه

۲) گلزار: مضافیه

۳) شهوار: صفت

ترکیب‌های وصفی در گزینه‌ها:

۱) آن لعل - لعل میگون - عقیق آبدار (سه مورد)

۲) خار شرم‌آلود (یک مورد)

۳) هر که - چنین کس (دو مورد)

۴) هر طرف - چندین خوشه‌چین (دو مورد)

۲۴۹) در نظر مسند

سبک‌شناسی نقش‌گرا صفت

به عنوان نوعی از زبان متمم

حرف اضافه متمم

نقش: مفعول (با توجه به فعل دارد)

بررسی گزینه‌ها:

۱) «ت» در مه‌رت و «م» در «دلَم» مضافیه

۲) «م» در «دلَم» و «رازَم» مضافیه

۳) «ش» در «دامنش» و «هرگزش» مضافیه

۴) «م» در «شالم» مفعول و در «دمسازم» مضافیه است.

۲۶۴ ۱ بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۲) جفا و وفا ❖ تضاد و جناس / جور و مهر ❖ تضاد
 (۳) دست و دوست ❖ جناس / دوست و دشمن، گل و خار ❖ تضاد
 (۴) دراز و کوتاه ❖ تضاد / پا و ما ❖ جناس

۲۶۵ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) عهد ❖ پیمان ❖ روزگار ❖
 (۲) مدام ❖ پیوسته ❖ شراب ❖
 (۳) پرده ❖ درون و حجاب ❖
 (۴) آهنگ و موسیقی ❖

۲۶۶ ۴ تشبیه: سخن گفتن معشوق به سخن گفتن شیرین [و برتری دادن

- بر او] در مصراع اول / معشوق به شیرین [و برتری دادن بر او] در مصراع دوم
 ایهام: شیرین (مصراع اول): (۱) لذت‌بخش (۲) معشوقه خسرو و فرهاد
 استعاره: شکر: استعاره از لب یا سخن دلپذیر
 ایهام تناسب: شیرین: (۱) معشوقه فرهاد (معنی موردنظر)
 (۲) مزه شیرین که با شکر تناسب دارد.

۲۶۷ ۲ ایهام: بو (۱) شمیم و رایحه (۲) امید و آرزو

تشبیه: من به غنچه

جناس: کو[ی]، بو[ی] / بر، سر

کنایه: نسیمی از سر کوی کسی بر سر دیگری گذشتن کنایه از کم‌ترین امکان

بهره‌مندی از او / پرده دریدن: این‌جا کنایه از بی‌قراری

۲۶۸ ۱ مفهوم گزینه (۱): یکسان نبودن ظاهر و باطن (نکوهش تزویر)

۲۶۹ ۴ عدم تعلق به غیر معشوق

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

لذت‌بخش بودن جفای معشوق

۲۷۰ ۴ اعتقاد شاعر به نامساعد بودن بخت خود که دلیل ناکافی در

رسیدن به یار است.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

رسیدن به مقصود برخلاف انتظار و رسم و عادت معمول

۲۷۱ ۱ عاشق با وجود بی‌وفایی معشوق، دعاگوی اوست؛ زیرا به‌رغم قهر و

عتاب یار، به لطف و عنایت او امیدوار است.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

کامروایی انسان برخلاف عادت معمول یا انتظار او

۲۷۲ ۱ مفهوم بیت صورت سؤال و گزینه (۱): کامروا شدن از خلاف

معمول (پارادوکس)

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) پریشان بودن عاشق از زلف معشوق

(۳) تلاش فراوان عاشق برای وصال یار

(۴) تأسف و حیرت شاعر از مظلومیت مسلمانان و زائران کعبه

۲۵۸ ۳ ایهام: ندارد. / کنایه: طمع بریدن (ناامید شدن) / عنان به کسی

سپردن (اختیار به کسی دادن)

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) ایهام: بو (۱) رایحه (۲) امید و آرزو / کنایه: هواخواه کسی بودن

(به کسی علاقه‌مند بودن)

(۲) ایهام: شیرین (۱) مزه شیرین (۲) معشوقه فرهاد / کنایه: خون از دیده

باریدن (غمگین بودن و اشک ریختن)

(۴) ایهام: قلب: (۱) دل (۲) مرکز سپاه / کنایه: خیال پختن (توقع بی‌جا داشتن)

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) مشتری: (۱) خریدار (معنی موردنظر) (۲) سیاره مشتری (با مه و مهر

تناسب دارد.)

(۳) هوا: (۱) هوس یا عشق (معنی موردنظر) (۲) جو یا فضا (با باد تناسب دارد)

(۴) سودا: (۱) فکر و خیال (موردنظر) (۲) دادوستد (با بازار تناسب دارد)

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) رخ: (۱) چهره (معنی موردنظر شاعر) (۲) مهره‌ای در شطرنج (با

شطرنج و شاه تناسب دارد.)

(۲) روی: (۱) رخسار و چهره (معنی موردنظر شاعر) (۲) فلز روی (با زر و

مس و سیم تناسب دارد.)

(۳) مردم (مصراع اول): (۱) انسان‌ها (معنی موردنظر شاعر) (۲) مردمک

چشم (با دیده تناسب دارد.)

۲۶۱ ۴ حس آمیزی: غصه تلخ و خنده شیرین / تلمیح: —

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) کنایه: چشم داشتن (انتظار داشتن) / استعاره: مه نوسفر استعاره از یار

(۲) ایهام: برآید (۱) طلوع کند (۲) امکان‌پذیر باشد (ممکن شود) /

تشبیه: صحبت حکام به ظلمت شب یلدا

(۳) سجع: ساربان، کاروان و روان / جناس همسان: روان (رونده)، روان (جان)

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) ای سرو ❖ استعاره از معشوق است و تشخیص ندارد / معشوق را

همچون باغ رضوان بلکه از باغ رضوان هم خوش‌تر می‌داند.

(۲) یار را به سرو تشبیه کرده / ناله بلبل مفتون ❖ تشخیص

(۳) سروی که خجل است ❖ آب روان (یار) به سرو تشبیه شده است،

حتی برتر از آن

(۴) ای صبا ❖ تشخیص / رخ گلگون ❖ تشبیه

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) تو همچون سرو آزادی / آزاد و بنده ❖ تضاد

(۲) نگاه عقل ❖ تشخیص / دشت جنون ❖ تشبیه / دامن صحرا ❖

استعاره

(۳) این دست: (۱) عضو بدن (۲) این‌گونه ❖ ایهام

کج کردن کلاه و آشفته‌شدن دستار ❖ کنایه از مستی و از خود بی‌خود بودن

(۴) آتش شوق ❖ تشبیه / حس آمیزی ندارد.

۲۸۲ ۳ نکوهش افشا کردن اسرار نزد بیگانگان و توصیه به رازداری
مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: هر انسانی شایسته محرم بودن اسرار دوست
 (خداوند) نیست.

۲۸۳ ۲ اظهار ناتوانی شاعر در برابر غم دنیا و آخرت
مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: توصیه به توجه نداشتن به زندگی مادی و
 ضرورت پرهیز از غم دنیا

۲۸۴ ۲ بیان نیازمندی انسان‌ها و بخشندگی خداوند و شایسته بودن
 اظهار نیاز به درگاه پروردگار
مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: ضرورت نداشتن اظهار نیاز به درگاه خداند؛ زیرا
 او از نیاز بندگان خود آگاه است.

۲۸۵ ۴ مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینه (۴): نیازمندی انسان و
 آگاه بودن خداوند از نیاز او و ضرورت نداشتن اظهار نیاز به درگاه پروردگار
تشریح مفاهیم سایر گزینه‌ها:

(۱) اظهار نیاز نزد اهل کرم، عیب نیست.

(۲) اظهار نیاز، تنها به درگاه خداوند کریم، شایسته است.

(۳) افراد بخشنده اظهار نیاز محتاجان را بی‌پاسخ نمی‌گذارند.

۲۸۶ ۴ توصیه به مهربانی و بخشایش نسبت به زیردستان
مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: توصیه به سخاوت و بخشندگی نسبت به دیگران
 ۲۸۷ ۳ عاشق به یاد چهره زیبای یار شراب سرخ رنگ می‌نوشد.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: همانند دانستن چهره زیبای یار با زیبایی
 گل‌های طبیعت

۲۸۸ ۲ توصیه به همراهی با آگاهان و عارفان
مفهوم مشترک ابیات مرتبط: توصیه به وفاداری و پایبندی به عهد و پیمان
 دوستی

۲۸۹ ۳ توصیه به عفو و بخشایش
مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: توصیه به بخشندگی و احسان
 ۲۹۰ ۲ معنای درست واژه‌ها:

غنا: سرود، نغمه، دستگاه موسیقی، آوازخوانی / عداوت: دشمنی

۲۹۱ ۲ معنی درست واژه‌ها:

صدیق: بسیار راستگو

۲۹۲ ۳ معنای درست واژه‌ها:

ریحان: گیاه سبز و خوشبو

سودایی: عاشق، دیوانه

صدیق: بسیار راستگو

۲۹۳ ۲ مُلک: پادشاهی

۲۹۴ ۳ وصلت: پیوند، پیوستگی

۲۹۵ ۳ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) نغز (۲) نقض (۴) لثامت

۲۹۶ ۲ نغز نقض

۲۷۳ ۱ گله و شکایت عاشق (شاعر) از کم‌لطفی معشوق و بخت نامساعد خود
مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

تأکید بر مفهوم تناقض‌آمیز کامروایی از راه غیرمنتظره و غیرمعمول

۲۷۴ ۱ مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینه (۱): توفیق و کامیابی
 انسان از راه و شیوه غیرمعمول
مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) بی‌تأثیر بودن آه و ناله انسان در تغییر سرنوشت

(۳) به تباهی کشیده شدن دل و روح به دنبال غلبه نفس و خواسته‌های مادی

(۴) پایداری و شکیبایی عاشق در برابر سختی‌ها و ناکامی‌ها

۲۷۵ ۱ مفهوم بیت صورت سؤال: زلف یار در عین گمراه کننده بودن،
 موجب هدایت و راهنمایی است (پارادوکس) / مفهوم گزینه (۱): شاعر زلف یار
 را هم دام و هم رهاننده از دام و گرفتاری دانسته است. (پارادوکس)

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) وسوسه‌انگیز بودن زلف و جمال یار و شیفته شدن عارف خلوت‌نشین با
 مشاهده آن

(۳) و (۴) گرفتاری عاشق در دام زلف یار

۲۷۶ ۲ یکسان بودن غم و شادی برای شاعر

مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و سایر گزینه‌ها:

بیان ناپایداری غم و شادی جهان

۲۷۷ ۴ بیان وفاداری عاشق

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

دشواری هجران یار و تیره بودن روزگار عاشق بدون جلوه رخسار معشوق

۲۷۸ ۲ تشبیه چهره زیبا و نورانی یار به ستاره‌ای در شب تیره

مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و سایر گزینه‌ها:

دشواری هجران برای عاشق و نالیدن از فراق یار

۲۷۹ ۳ اعتقاد شاعر به ناتوانی از پنهان نگاه داشتن راز عشق (لزم پنهان
 نگهداشتن راز عشق)

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

تأکید بر رازداری

۲۸۰ ۴ توصیه به تفکر عارفانه و چشم‌پوشی از کشف مجهولات هستی
مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

اشاره به یافت نشدن رازدار حقیقی و تأکید بر حفظ اسرار خود

۲۸۱ ۴ مفهوم عبارت سؤال: آزمودن و سپس اعتماد کردن برای بیان
 کردن راز که این مفهوم در گزینه (۴) تکرار شده است.

مفهوم گزینه‌ها:

(۱) پنهان نماندن راز

(۲) محرم راز نداشتن

(۳) چون از ساز زندگی خبر دارم، راز آن را نیز با تو خواهم گفت. (دانستن
 راز زندگی)

(۴) تا کسی را نیازموده‌ای راز خود را به او مگو.